



در این شماره می خوانید

- ۲ سخن نخست (ضرورت تغییر)
- ۲ پیام نوروزی
- ۴ صنعت، شریک قابل اعتماد تامین اجتماعی برای حل مشکل بیکاری
- ۸ ضرورت اجرای قانون از سوی سازمان تامین اجتماعی
- ۹ ضرورت توجه بیشتر به تجاری سازی در صنعت
- ۱۱ نقش فرهنگ در حمایت از کالای ایرانی
- ۱۳ اینترنت اشیا (IoT) فرصت هایی برای بنگاه های کوچک و متوسط
- ۱۵ فقیر و فقیرتر
- ۱۷ کیفیت و استاندارد در اقتصاد
- ۱۹ مردم تصمیم گیر اصلی جامعه
- ۲۰ پداگوژی یکی از شیوه های نوین آموزشی
- ۲۳ کرونا
- ۲۵ کرونای بازار
- ۲۷ نظام قیمت گذاری دولتی
- ۳۱ نقش فرهنگ در توسعه صنعتی
- ۳۳ روزها
- ۳۴ کنفدراسیون ها
- ۳۵ کتابنامه

کنار هم جمع شدن یک شروع است؛
کنار هم ماندن یک پیشرفت است؛
ولی کار کردن کنار هم یک موفقیت است

هنری فرد



پیام صنعتگر

شماره ۲۹، بهمن و اسفند ۱۳۹۸

صاحب امتیاز: کنفدراسیون صنعت ایران

نشانی: تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان خرمشهر خیابان عربعلی، کوچه هفتم، پلاک ۲۶ واحد ۱ تلفن تماس: ۸۸۷۶۴۱۲۷

مدیر مسئول: مهندس محسن خلیلی عراقی

سردبیر: دکتر داریوش مهاجر

صفحه آرا: پرویز افشارجو

چاپ میران: تهران خیابان سعدی، خیابان منوچهری، کوچه ژاندارک پلاک ۴ تلفن: ۳۳۹۵۳۴۰۴



مهندس محسن خلیلی

رئیس هیات مدیره کنفدراسیون صنعت ایران

خداوند متعال را سپاسگزارم که سال و مجالی دیگر را برای زیستن در این جهان و در این پهنه زیبا، ایران عزیز فرصت داد. فرصتی که شایسته است در مسیر کاهش درد و رنج و آرام بشری و ایجاد خوشبختی و سعادت و رفاه انسان‌ها از آن بهره برد. آرزویی که البته به سادگی و یکباره بدست نمی‌آید.

چرا که تغییر و تحول در طبیعت و جوامع انسانی امری بطئی و تدریجی است و از پس دوره‌های زمانی طولانی حادث می‌شود. اما این به معنای سکون نیست و در پس آرامش ظاهری، جنب و جوشی وسیع و عمیق در جان جهان جاری است و هر از چندگاهی "نقاط عطفی" را در روند حرکتی طبیعت و جامعه شاهدیم

استشمام کرد بلکه با استفاده از آخرین فناوریها از گرم کن برقی و گازی و حتا گرم کننده‌هایی که از انرژیهای پاک بهره می‌گیرند بایستی خانه‌ها را گرم کرد و اگر تولید کننده گرم کننده‌های هیزمی بسازد، کسی از او آن را خریداری نمی‌کند.

زندگی کنند، مانند هزاران سال پیش بیندیشند و مانند دویست یا چند صد سال پیش جامعه و کشور خود را اداره کنند؟ بلکه از همین روست که تغییرات مختلف را در جوامع عقب مانده نیز می‌توان ملاحظه کرد. در واقع امروز تفاوت عمده‌ی میان کشورهای عقب افتاده و ممالک پیشرفته آن است که در جوامع پیشرفته همه‌ی بخشها و نهادهای جامعه رشد و توسعه یافته‌اند (از نهادسیاست، صنعت و اقتصاد تا فرهنگ و غیره یعنی توسعه متوازن است) در حالی که در کشورهای عقب مانده (که دلایل عقب ماندگیشان نیز همین عدم تطبیق با شرایط روز و دست نیافتن به تغییر و بروز شدن است) برخی بخشها و نهادها حداقل تا حدی روزآمد شده ولی بخشهای دیگر همچنان در گذشته قرار دارند و بنا به شرایط گاه از پنجاه سال تا پانصد سال با وضع امروز جهان فاصله دارند.

در این گونه جوامع نه تنها فناوری، ابزار و وسایل، شیوه‌های تولید و همانند آنها ممکن است مربوط به دهه‌های گذشته باشد و یا شیوه‌های آموزش و پرورش، رفتارهای اجتماعی و نظایر آن پیوندهای عمیق با سده‌های پیشین داشته باشد بلکه نوع تفکر و اندیشه، رویکردها و باورها نیز بعضا به سده‌ها و حتا هزاران سال پیش ربط می‌یابد و بدانها متصل است.

در حوزه‌ی اقتصاد و به ویژه در بخش تولید صنعتی، تغییر یک ضرورت و استفاده از فناوریها و شیوه‌های جدید یک الزام است. در دنیای رقابتی امروز که به شکل یک دهکده هم در آمده برای صنعت، گریزی جز تغییر و نوشتن وجود ندارد و اگر صنعتگران در این راه گام برندارند گزینه‌ای جز حذف و تعطیلی واحد خود ندارند.

در دنیای امروز دیگر همانند کلبه‌های جنگلی در چند صد سال پیش نمی‌توان هیزم افروخت و دود

ضرورت تغییر



دکتر داریوش مهاجر
دبیر کل کنفدراسیون صنعت ایران

همواره بهترین الگو در زندگانی انسانها از جهات گوناگون (به لحاظ سیاسی، اقتصادی، روانشناختی، جامعه‌شناختی و...) آن الگویی است که در طبیعت و حیات طبیعی دیده می‌شود. یکی از آن مواردی که در طبیعت به وضوح دیده می‌شود همانا تغییر است. در تمامی سال، طول روز تغییر می‌کند؛ ماهها و فصلها حاوی دگرگونی‌های بسیار است و تمامی این تغییرات بر زندگی بشر در طول تاریخ اثرگذار بوده است.

این تغییرات به ما می‌آموزد که زندگی براساس تغییر شکل می‌گیرد، تحول می‌یابد و دگرگون می‌شود بلکه از همین روست که نمی‌توان پذیرفت که انسان امروزی همانند دو هزار سال پیش زندگی کند؛ همانند هزار سال پیش محصول تولید کند؛ مانند دو هزار سال پیش نظام حکمرانی داشته باشد؛ دانشگاه‌هایش را همچون مدارس علمیه هزار سال پیش بنانهد؛ و یا فرزنداناش را حتا مانند یک صد سال پیش تربیت نماید.

تغییر ضرورت پیشرفت و توسعه و حتا ستون زندگی است. آیا امروز جامعه‌ای با نگاهی بسته و فرهنگی عقب مانده می‌تواند در جهان به حیات خود ادامه دهد؟ آیا مردم همانند سدها سال پیش می‌توانند

بکوشید تا رنج ها کم کنید دل غمگنان شاد و بی غم کنید

به گمانم ما به عنوان نوع انسان و همچنین به عنوان شهروند جهانی و نیز در مقام انسانی ایرانی، اکنون در آستانه نقاط عطف مهمی قرار گرفته‌ایم که لازم است این موقعیت‌ها را بشناسیم و در آستانه سال جدید تمامی توان و امکانات فکری و مادی و معنوی خود را جهت مواجهه خلاقانه با این وضعیت مهیا نماییم.

نقطه عطف اول، تحول در طبیعت است و پدیده گرمایش زمین که آثار خود را در بالآمدن آب اقیانوس‌ها و دریاها و آب شدن یخ‌های قطبی و خطر به زیر آب رفتن مناطق وسیعی از خشکی‌ها و آتش سوزی جنگل‌ها و... نشان داده و جهانیان را در قالب پیمان‌های جهانی و مهمترین آنها "کنفرانس تغییر اقلیم پاریس" به چاره‌جویی واداشته است.

نقطه عطف دوم و به عنوان شهروند جهانی، تحول عمیق و سرسام‌آوری است که در عرصه تکنولوژی در حال وقوع است و دهکده جهانی امروز را بیش از پیش یکدست‌تر و همسان‌تر کرده است. از انقلاب چهارم صنعتی و هوش مصنوعی تا تحولات علم ژنتیک و ... به قول "یوال نوح هراری"، متفکر برجسته: "بشر با انقلاب‌هایی بی‌سابقه روبه روست؛ همه‌ی داستان‌های قدیمی ما در حال فروپاشی هستند و هیچ داستان جدیدی تاکنون برای

جایگزینی شان پدید نیامده است».

اما **نقطه عطف سوم** که بیش از آن دو دیگر به امروز روز ما و در موقعیت یک انسان ایرانی مرتبط است، تحولات نسلی و جمعیتی و در کنار آن تغییرات وسیع و عمیق الگوهای زندگی و نیازها و ضرورت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که بخشی از آن ناشی از تغییرات جهانی و انقلابات تکنولوژیک و بازارهای گره خورده جهانی و سهم مهم دیگری از آن، برآمده از تحولات درونی جامعه ایرانی در طی چهار دهه اخیر و خواست‌ها و مطالبات کمتر مورد توجه واقع شده در طی این سال‌هاست.

در این موضوع خاص و موقعیت ویژه، انسان ایرانی با چالش‌های بزرگی مواجه است؛ از چالش‌های کمبود منابع آبی و فرسایش‌های محیط زیستی تا عدم تکافوی درآمدهای نفتی به عنوان منبع اصلی تامین کننده هزینه‌های جمعیت هشتاد و چند میلیونی و چالش ارتباط و تعامل موثر با جهان و حقوق شهروندی و نارسایی دستگاه بوروکراتیک و...

آنچه اما می‌توان در این واپسین روزهای سال ۹۸ و آغاز سال نو و به تاسی از نظام طبیعت و موفقیت‌های جوامع توسعه یافته و گذشته پرافتخار این مرز و بوم

بیان داشت آن است که انسان بر تمام این مشکلات و چالش‌ها، هر چند بزرگ و عظیم پیروز خواهد شد و تداوم خواهد یافت، مشروط بر آنکه "خود" را باور داشته باشد و به جای نومیدی و یاس و سرخوردگی و انفعال، آستین همت بالا زده و دست به زانوی خود گیرد و بر خیزد. بر خیزد و با اتکا به نیروی عشق و خرد، جهانی زیباتر و انسانی‌تر و در همزیستی با طبیعت بسازد. چرا که سخت معتقدم، آنچه انسان را به پیش می‌برد و اعتلا می‌بخشد "عشق" و "خرد" است و نه "ستیز" و "تعصب".

برای ما ایرانیان اما تلاشی مضاعف لازم است تا بر مشکلات و چالش‌های پیش روی مان غلبه کنیم و همچون همیشه تاریخ این سرزمین، نشدنی‌ها را به "شدن" تبدیل کنیم که این مهم محقق نمی‌شود جز بر مبنای عشق به آزادی و خیر عمومی و از طریق تامین منافع فردی در پرتو منافع ملی و از مسیر تلاش آگاهانه و خرد جمعی.

ز دل ها همه کینه بیرون کنید
به مهر اندر این کشور افسون کنید

نوروزتان مبارک،
سعادت‌تان پاینده و مهرتان
پایدار.

جزو باورهای نهادینه شده فرزندان و نوادگانمان باشد. نباید فراموش کرد که اولین ضرورت و نیاز برای توسعه و به ویژه توسعه ی صنعتی و پیشرفت همه جانبه جامعه، باور به تغییر و رهگیری نوآوری است. پس به گونه ای جدی بایستی در جهت تغییر و نو شدن گام برداشت.

سال نو و نوروز مبارک.

داشته باشند. دست از نگاه به گذشته و پیگیری روشهای دوره‌های پشت سر گذارده شده به ویژه در عرصه‌ی علم و فناوری بپرهیزند و فناوری‌های جدید را ضمن رعایت جوانب زیست محیطی، بهداشتی و ... بپذیرند و تغییر را نهادینه نمایند. و از همه مهمتر آنکه تغییرپذیری و پذیرش نوآوری را به نسل‌های بعدی منتقل نمایند به گونه‌ای که تغییرپذیری

ضمن آنکه به دلیل تغییرات سریع در عرصه‌های علم و فناوری، گزینش تغییر باید سریع و بهره‌گیری از فناوریها، نوآورانه و بروز باشد تا بقا امکانپذیر گردد. از همه مهمتر آنکه به لحاظ فرهنگی (چه در سطح خرده فرهنگ و چه در سطح فرهنگ کلان جامعه) افراد بایستی از کودکی بیاموزند که تغییر یک ضرورت است و بدان باور

در نشست مشترک مسئولان کنفدراسیون صنعت و سازمان تامین اجتماعی مطرح شد صنعت، شریک قابل اعتماد تامین اجتماعی برای حل مشکل بیکاری



اخبار داخلی

امیرعلی امینیان

خبرنگار

پوشش لا بد به دنبال همین منافع است. اما در مباحث اقتصادی و ارتباط تامین اجتماعی با واحدهای صنفی و تولیدی باید تلاش کنیم تا مشکلات موجود کاهش پیدا کند.

وی افزود: بهره‌گیری از ظرفیت تشکلهای فرصت خوبی است تا هم سازمان تامین اجتماعی مطالبات خود را از دولت بگیرد هم تعامل و ارتباط میان این سازمان با واحدهای اقتصادی افزایش یابد.

وی تاکید کرد: ما همیشه در کنار سازمان تامین اجتماعی بوده‌ایم برای نمونه یکی بحث خارج کردن بخش درمان برای الحاق به وزارت بهداشت و دیگری سهام بانک رفاه بود که به شدت تشکلهای و به ویژه صنعتگران از سازمان حمایت کردند. اما در عین حال ما و به طور مشخص کنفدراسیون درخواستهایی دارند:

اول اینکه سازمان قانونمدار باشد و در شعب مختلف کارکنان به اختیار خود عمل نکنند که در این صورت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

دوم اینکه با توجه به وجود قانون، نامه رییس ستاد

نشست مشترک اعضا و مدیران کنفدراسیون صنعت ایران و معاون فرهنگی و اجتماعی و امور استان‌های سازمان تامین اجتماعی کشور و کارشناسان و مدیران این بخش در تاریخ ۹۸/۱۱/۲ در کنفدراسیون صنعت ایران برگزار شد و در این نشست بر نقش اثرگذار صنعت در حل بحران بیکاری و حل مشکلات تامین اجتماعی به شرط همراهی و همکاری این سازمان تاکید شد.

به گزارش پیام صنعتگر در این دیدار صمیمانه فعالان اقتصادی، اعضا و اعضای هیات مدیره کنفدراسیون صنعت دغدغه‌ها و مشکلات خود با سازمان تامین اجتماعی را بار دیگر به گوش مسئولان این سازمان رساندند تا در جهت حل و فصل مشکلات صنعتگران و تولیدکنندگان راهکارهای عملیاتی و اجرایی اندیشیده شود.

در ابتدای این جلسه دکتر داریوش مهاجر، دبیر کل کنفدراسیون صنعت ایران با تاکید بر ضرورت حفظ منافع ملی توسط بخش دولتی و خصوصی گفت: نگاه همه فعالان صنعتی حفظ منافع ملی است و سازمان تامین اجتماعی نیز با بیش از ۴۰ میلیون ایرانی تحت





بازنشستگان هم با مشکل روبرو می‌شوند.

وی افزود که منصفانه نیست که تنها منبع درآمد سازمان تامین اجتماعی فعالان اقتصادی باشند و این سازمان باید به فکر درآمدهای دیگر و نیز وصول مطالبات خود از دولت هم باشد.

این پیشکسوت صنعت کشورمان از مسوولان تامین اجتماعی خواست با فعالان اقتصادی را بر مبنای متانت و صداقت برخورد کند چراکه تامین اجتماعی یکی از ارکان اقتصادی هر کشور است و هرچه کشورها از نظر اقتصادی پیشرفته‌تر شوند رفتار تامین اجتماعی نیز بهتر و انسان دوستانه‌تر می‌شود.

در ادامه این جلسه مهندس دمرچلی دبیرکل انجمن لوازم خانگی تعامل سازمان تامین اجتماعی و صنعت را پیش نیاز پیشرفت و توسعه کشور دانست و گفت: اگر می‌خواهیم کشور به سوی توسعه حرکت کند، تامین اجتماعی باید با صنعت آشتی کند و همراهی کند تا صنعتگران از وضعیت موجود نجات پیدا کنند.

دکتر مرادیان، مشاور امور تامین اجتماعی کنفدراسیون صنعت ایران نیز در این جلسه با ارائه آماری از وضعیت تامین اجتماعی در کشور اظهار کرد: در زمینه پشتیبانی صندوق‌های بیمه بیکاری باید گفت که نسبت پشتیبانی از ۹,۷ در سال ۷۰ به ۴,۹۴ در سال ۹۰ رسیده این در حالی است که تعداد بیکاران که حقوق بیکاری می‌گیرند از ۳۱ هزار نفر در سال ۷۰ به بیش از ۱۷۴ هزار نفر در سال ۹۰ رسیده است.

اقتصاد مقاومتی، نامه معاون دادستان کل کشور، کنفدراسیون درخواست صنعتگران یعنی اخذ اسناد و دفاتر فقط برای آخرین سال مالی تاکید دارد.

سوم آنکه ما جملگی درخواست خود یعنی احیای مجدد شورای عالی تامین اجتماعی تاکید داریم.

مهاجر در ادامه همچنین رفع مشکل عدم اعمال رویه واحد در پذیرش چک، سفته و سایر وثایق به جای ضمانتنامه بانکب در هنگام تقسیط بدهی را خواستار شد.

دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران با توجه به مشکلات عدیده در انجام امور به صورت الکترونیک خواستار اصلاح یا حذف نظام الکترونیک در سازمان شد.

دکتر مهاجر در انتها یادآور گردید که از همه مسایل گفته شده و بسیاری دیگر که گفته نشد مهمتر آن است که باید راهکاری یافت که دولت بدهیهایش را به سازمان تامین اجتماعی بپردازد.

مهندس خلیلی رییس هیات مدیره کنفدراسیون صنعت ایران نیز در ادامه این نشست با تاکید به سال‌ها همکاری با سازمان تامین اجتماعی از وضعیت معوقات سازمان تامین اجتماعی و مطالبات این سازمان از دولت ابراز نگرانی کرد و گفت: اگر دولت به فکر پرداخت بدهی خود به تامین اجتماعی نباشد در آینده ای نه چندان دور درآمد سازمان تامین اجتماعی از هزینه‌هایش کمتر شده و مشکلاتی به وجود خواهد آمد و توده عظیمی از



اخبار داخلی

امیرعلی امینیان

خبرنگار



نشست، دریافتیهای مازاد بر قانون و بدون مبنا سازمان را مشکل اصلی صنعتگران با تامین اجتماعی عنوان کرد و خواستار دقت در وضع این بخشنامهها شد.

ابراهیمی، دبیر سندیکای شرکتهای تاسیساتی در ادامه گفت: متأسفانه تامین اجتماعی همواره از شرکای اجتماعی خود سخن می گوید اما این شرکای اجتماعی را به رسمیت نمی شناسیم. تا زمانی که نگاه موجود در سازمان تامین اجتماعی به صنعتگران تغییر نکند توسعه اقتصادی رقم نخواهد خورد.

در ادامه این نشست آقای دهدشتی، معاون سازمان تامین اجتماعی با قدردانی از کنفدراسیون صنعت ایران در برگزاری این جلسه برگزاری نشستهای مشترک با تشکلهای فعالان صنعتی و تولیدی را یک تکلیف ویژه برای این سازمان عنوان کرد و گفت: دبیرخانه شورای راهبردی شرکای اجتماعی برنامههای ویژه‌ای برای تعامل با فعالان اقتصادی و شرکای اجتماعی دارد که در حال انجام است.

وی افزود: در زمینه مفاهیم بیمه و تامین اجتماعی گفتمان سازی خوبی صورت نگرفته و انتظار می رود با برگزاری کارگاههای آموزشی ارتباط نظاممند نهادهای حاکمیتی با شرکای اجتماعی و شرکای دیگر خدمات

وی با تاکید بر اینکه بخش صنعت بیشترین میزان ارزش افزوده را در کشور داراست تصریح کرد: صنعت در بهبود فضای کسب و کار و حل بحرانهای بیکاری نقش بسیار مهمی دارد و می تواند به سازمان تامین اجتماعی برای حل چالشهای بیکاری کمک کند.

دکتر مرادیان یادآور شد: از هر ۴,۹ نفر نیروی کار ۱ نفر بیمه بیکاری می گیرد و در حقیقت سازمان تامین اجتماعی حق بیمه ۴ نفر را به یک نفر می پردازد که اگر برای این مشکل چاره اندیشی نشود به زودی مشکلات زیادی بوجود خواهد آمد.

۱۳ هزار میلیارد تومان بدهی تامین اجتماعی به وزارت بهداشت پرداخت شده

وی تصریح کرد: برای حل این مشکل باید جلوی تعطیلی کارخانهها و واحدهای صنعتی را گرفت و شرایطی را فراهم کرد تا چرخ صنعت بچرخد و مشکلات حل شود. اما این مساله با وضع بخشنامههای مکرر سازمان تامین اجتماعی که هر روز برای صنعتگران ایجاد مشکل می کند مغایرت دارد.

نوروزی، مدیرعامل یک شرکت خصوصی تولیدی نیز که در این جلسه حاضر بود از این بخشنامهها انتقاد کرد و با ذکر نمونههایی از چالشهای ایجاد شده خواستار همکاری بیشتر مسئولان تامین اجتماعی با تولیدکنندگان شد.

نیلفروش زاده دبیرکل انجمن صنایع نساجی نیز در این

سازمان بیش از پیش برقرار شود.

دهدشتی تاکید کرد: در زمینه ارتباط تامین اجتماعی و صنعت باید عادلانه قضاوت کنیم و رفتار منطقی و اصولی را سرلوحه کار قرار دهیم. هر چند در سال‌های گذشته در برخی از موارد قصور از سازمان تامین اجتماعی بوده است اما در بخشی دیگر عدم آگاهی صنعتگران سبب بروز مشکلات شده است که لازم است با تعامل و همکاری بیشتر برطرف شود.

دهدشتی با بیان اینکه در حال حاضر شرایط سختی در کشور حاکم است یادآور شد: در حال حاضر ماهیانه ۹۶۰۰ میلیارد تومان هزینه سازمان تامین اجتماعی است و ۶ هزار میلیارد تومان هر ماه به عنوان مستمری پرداخت می‌شود که با مدیریت‌های صورت گرفته و پیگیری معوقات از بخش دولتی و خصوصی برای دی ماه امسال به نقطه سر به سر در هزینه‌ها و درآمدها رسیده‌ایم.

وی با تاکید بر شرایط سخت پیش رو گفت: این شرایط گذراست اما در همین شرایط موقتی هم باید با ارائه راهکارهای مطلوب عملیاتی تلاش کنیم هم تامین اجتماعی متضرر نشود و هم صنعتگران و تولیدکنندگان تحت فشار قرار نگیرند.

وی با بیان اینکه اگر اصلاحات در قوانین تامین اجتماعی صورت نگیرد و در این زمینه همراهی لازم نباشد به زودی با مشکلات زیادی مواجه می‌شویم، اظهار کرد: قانون مشاغل سخت و زیان آور باید بازنگری شود در غیر این صورت مشکلات تازه‌ای برای سازمان تامین اجتماعی به وجود خواهد آمد. اما با وجود همه چالش‌ها تامین اجتماعی توانسته است کارهای اساسی و خوبی در سال‌های اخیر انجام دهد.

دهدشتی در پایان خواستار گفت‌وگو مداوم و موثر صنعتگران با مسئولان تامین اجتماعی از طریق تشکل‌ها شد تا زمینه حل چالش کهنه تامین اجتماعی و صنعت فراهم شود. در پایان این نشست صنعتگران و مدیران کنفدراسیون صنعت ایران پیشنهادات خود برای افزایش تعامل سازنده تامین اجتماعی با بخش تولید را مطرح کردند.

به گفته وی پرداخت ۱۳ هزار میلیارد تومان بدهی تامین اجتماعی به وزارت بهداشت، اجرای طرح همسان‌سازی حقوق بازنشستگان، احیای شورای عالی تامین اجتماعی و توسعه خدمات غیر حضوری از جمله فعالیت‌های خوبی است که در سال ۹۸ در سازمان تامین اجتماعی انجام شده است.



ضرورت اجرای مقررات از سوی سازمان تامین اجتماعی



اخبار داخلی



جلسه‌ی هیات مدیره کنفدراسیون صنعت ایران در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ در دبیرخانه کنفدراسیون تشکیل گردید. در ابتدای جلسه دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران یادآوری کرد که موضوع بازرسی اسناد و دفاتر شرکتهای بخش خصوصی که بایستی فقط برای یک سال آخر انجام پذیرد، پیگیری گردید و براساس دستور صادره آقای جهانگیری معاون اول رییس جمهوری و رییس ستاد اقتصاد مقاومتی، اجرای این امر از سوی سازمان تامین اجتماعی مورد تاکید قرار گرفت.

دکتر مهاجر در ادامه ضمن اشاره به مشکلات مالی، با توجه به گرانیها و افزایش تورم و همانند آنها آرایه‌ی راهکارهایی را در این زمینه خواستار گردید. در ادامه آقای مهندس تائب گفت: با توجه به اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه که همه اقشار دچار یأس و ناامیدی شده‌اند باید ساختارهایی را برای کسب و کارهایمان پیدا کنیم که بتوانیم مفید باشیم و با توانمندسازی افراد بتوانیم آنها را انگیزه‌مند کنیم. مطمئنا با تلاش بیشتر می‌توان نتیجه خوب گرفت. دنیا به سمت توسعه است و مهم این است که ما بتوانیم از ظرفیتهای زمان استفاده کنیم و ارزش آفرینی کنیم.

سپس آقای مهندس خوانساری گفت: اگر در همه‌ی سالهای گذشته یک تشکل قوی در بخش خصوصی به صورت مداوم شکل می‌گرفت، می‌توانست بسیاری از مشکلات را حل کند. کنفدراسیون با همت آقای

مهندس خلیلی به فعالیت خود ادامه داده است، اما آیا ما می‌توانیم این رسالت را در آینده حفظ کنیم و این وظیفه را تداوم بدهیم. ساماندهی و مدیریت مجموعه‌ها نیازمند انسانهای با درایت و قوی است. متأسفانه در جامعه ایران همه‌ی ما یاد گرفته‌ایم دنباله‌رو باشیم و به همین دلیل به تنهایی نمی‌توانیم مدیریت کنیم.

در ادامه آقای مهندس خلیلی رییس هیات مدیره کنفدراسیون با اشاره به خاطراتش به هنگام فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و بعد کودتای بیست و هشتم مرداد سال سی و دو گفت: از زمان غارت منزل مصدق و کارهایی که اوباش آن زمان می‌کردند، من به فکر صنعتی کردن کشور افتادم تا مردم غنی شوند و بتوانند با آرامش زندگی کنند. در تمام طول زندگی من اعتقاد داشته‌ام که صنعتی کردن تنها راه نجات کشور است و از سال ۱۳۳۲ تا به حال در این راستا زحمت کشیده‌ام. مسأله ما در گذشته بی فرهنگی بوده است. پس باید در راه غنای فرهنگی و توسعه گام برداریم.

یادآور می‌شود موضوع تدوین استراتژی صنعتی کشور به عنوان یک ضرورت بارها از سوی بخش خصوصی از جمله از سوی کنفدراسیون صنعت ایران مطرح گردیده است ولی متأسفانه به دلایل مختلف هنوز برای صنعتی کردن و تدوین استراتژی صنعتی کشور اقدام جدی‌ای از سوی دولت و سازمانهای ذیربط در آن شکل نگرفته است.

ضرورت توجه بیشتر به تجاری سازی در صنعت



اخبار داخلی

امیرعلی امینیان



۲۰ تا ۳۰ درصد از اعضای این خزانه ارزشمند بزرگان با تجربه ما که همان جوانان قدیم و بقیه جوانان با استعداد و تحصیلکرده امروز هستند.

وی در ادامه اظهار داشت: در اوایل شروع کار ستاد، مقاومت زیادی برای مخالفت با این تیم‌ها شد اما ما ثابت کردیم این تیم‌ها و جوانان نه تنها مقابل ما نیستند بلکه مکمل کمیسیون‌ها نیز هستند.

در ادامه خانم گوشه سرپرست ستاد تجاری‌سازی فناوریهای نوین اتاق با اشاره کوتاهی به اقدامات بعمل آمده گفت: به امید آنکه بتوانیم با ارتباط با مراجع ذیربط و پتانسیلهای کنفدراسیون صنعت ایران و امکانات اتاق ایران راهی را هموار کنیم که به درد صنعت بخورد.

در ادامه این جلسه خانم مهندس قطان دبیر گروه تجاری‌سازی فن‌آوری‌های پیشرفته در ایران نیز اظهار داشت: بعد از تشکیل کمیته‌ها در سال ۹۵ مشکل بیکاری و فارغ التحصیلان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در شرایط امروز و بیکارانی که به سمت درستی هدایت نمی‌شوند، اندیشه‌ای را شکل داد تا بتوانیم برای آن‌ها ایجاد اشتغال کنیم. در این راستا با توجه به تولید علم در جامعه دانشگاهی و با توجه به ظرفیت‌هایی که در اتاق ایران وجود داشت برآن شدیم که پل ارتباطی بین جامعه علمی و فعالان اقتصادی باشیم.

وی افزود: بر این اساس فرصتی فراهم شد تا با جامعه دانشگاهی ارتباط پیدا کنیم که اولویت ما دانشجویان تراز اول بود. به همین منظور با ۱۰ دانشگاه اول و برتر کشور از جمله دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه صنعتی شریف، دانشگاه بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه علم

اعضای هیات مدیره کنفدراسیون صنعت ایران و اعضای ستاد تجاری سازی اتاق بازرگانی ایران در یک نشست مشترک که در ۹۸/۱۱/۲۹ برگزار شد بر ضرورت برنامه‌ریزی برای تجاری سازی تولیدات داخلی تاکید کردند.

به گزارش خبرنگار پیام صنعتگر، در این جلسه که در محل کنفدراسیون صنعت ایران برگزار شد، در ابتدا دبیرکل کنفدراسیون صنعت ضمن خیرمقدم یادآور گردید که هر چند ایران حداقل در منطقه در تولید علم از موفقیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است ولی در تبدیل علم به فناوری و فناوری به ثروت ما دچار ضعف هستیم و باید برای این مشکل راهکار یافت. دکتر مهاجر اضافه کرد در ایران دانشگاهها تولید و انتقال علم به دانشجویان را وظیفه خود می‌دانند و اهالی صنعت هم به دنبال تولید ثروت هستند و متأسفانه تلاشهای چندین سال گذشته برای ارتباط صنعت با دانشگاه ناموفق بوده است.

در ادامه مهندس پور فلاح، مشاور عالی رییس اتاق بازرگانی ایران اظهار داشت: در مرحله جدید مسوولیت بنده به عنوان مشاور ارشد رییس اتاق بازرگانی ایران سعی کرده‌ام برخلاف مشاورین ارشد گذشته اتاق ایران تنها به دیدارهای هفتگی اکتفا نکرده بلکه فراتر از این عمل کنیم که از جمله می‌توان به ایجاد کمیته‌های مشورتی در اتاق ایران با حضور نخبگان جوان و بهره‌گیری از توانایی آنان به همراه استفاده از تجربه‌های اعضای پیشکسوت اتاق اشاره کرد که نتایج بسیار مطلوبی را به همراه داشته است.

پور فلاح در ادامه در خصوص فلسفه تشکیل کمیته‌های مشورتی گفت: ما توانستیم خزانه‌ی ارزشمندی برای اتاق ایران و بخش خصوصی در آینده داشته باشیم که



مانند ایران که بیشترین جمعیت را در خاورمیانه دارد و با مشکلاتی از جمله بیکاری درگیر است توجه به واحدهای کوچک و متوسط یک الزام بشمار می‌رود.

وی با بیان اینکه تئوری‌های دانشگاهی و علمی در کشور به دلایل مختلف قابلیت اجرا ندارد تصریح کرد:

براساس آمار حدود نیمی از اختراعات ثبت شده در ایران توسط افرادی بوده که اصلاً دانشگاه نرفته‌اند و سواد آکادمیک نداشته‌اند و در همین راستا اگر بخواهیم به توسعه کشور فکر کنیم باید تلاش کنیم تا زمینه تجاری‌سازی ایده‌های علمی دانشگاهیان و دانش پژوهان را فراهم کرده و امکان اجرای برخی از ایده‌های علمی را فراهم کنیم.

مهاجر با تاکید بر اینکه تمام جوامع در طول تاریخ به دو شکل درون‌زا و برون‌زا رشد و توسعه پیدا کرده‌اند اظهار کرد: برای توسعه پایدار کشور باید با بهره‌گیری از توان عملیاتی صنایع و توان علمی دانشگاهها و پژوهشگاهها زمینه ارتقای صنایع به ویژه صنایع کوچک و متوسط از یک سو و اشتغال برای فارغ‌التحصیلان از سوی دیگر را فراهم کرد.

در انتها مهندس خلیلی رییس هیات مدیره کنفدراسیون و پیشکسوت صنعت ایران یادآور شد که آن بخش از نیروی انسانی که در صنعت نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند، نیروی تکنیسین‌ها هستند که عملاً و به طور فنی بر روی خط تولید ایفای نقش می‌کنند. بنابراین ما باید تلاش کنیم ضمن توجه بیشتر به این بخش کاری کنیم که مهندسان فارغ‌التحصیل از دانشگاههای ما توان کار عملی بر روی خط تولید را بیابند.

صنعت، دانشگاه‌های اصفهان و شیراز، دانشگاه صنعتی مشهد و دانشگاه تبریز به صورت پیوسته ارتباط گرفتیم که به آن‌ها بگوییم اتاق ایران به عنوان پارلمان بخش خصوصی وارد این عرصه شده و می‌تواند پایگاهی باشد تا طرح‌هایی که در دانشگاهها وجود دارند اما نمی‌توانند به دست بخش خصوصی برسند با این ارتباط بتوان این فناوری‌ها و طرح‌ها را در اختیار فعالان اقتصادی قرار داد.

وی تاکید کرد: اولین فعالیت ما با برگزاری سمینار تجاری سازی فناوری پیشرفته ایران ۲۰۱۹ در اسفند ماه سال ۹۷ آغاز شد و از آنجایی که نمی‌خواستیم فقط برگزار کننده یک سمینار باشیم و می‌خواستیم مستمر باشد با کمک‌های آقای مهندس پور فلاح قبل از برگزاری این سمینار پایگاهی دایمی تشکیل شد که به صورت مداوم چه با جامعه علمی و چه فعالان اقتصادی ارتباط داشته باشیم.

قطان در پایان سخنانش گفت: یک طرف بازوی فعالیت ما در ستاد علم و دانش است، بازوی دیگر که ما قطعاً به آن نیاز داریم تجارب و حمایت‌های معنوی و همراهی کنفدراسیون صنعت ایران و صنعتگران با تجربه است که انگیزه کافی دارند و خلا این حلقه گمشده را در صنعت کشور حس می‌کنند که در کنار ما باشند و با برنامه‌ریزی بهترین استفاده را برای حل مشکلات صنعت کشور انجام دهیم.

در ادامه این جلسه دکتر مهاجر دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران گفت: صنایع بزرگ بیشتر در تولید ناخالص داخلی نقش دارند و واحدهای کوچک و متوسط در اشتغالزایی ایفای نقش می‌کنند و در نتیجه در کشوری



نقش فرهنگ در حمایت از کالای ایرانی



همایش

فرهنگ و همانند آنها بر کل سیستم اثر می‌گذارد.

وی سپس به تعریف فرهنگ اشاره کرده و گفت که از فرهنگ تعاریف مختلفی ارائه شده که برای نمونه دو تا از آنها را عرض می‌کنم:

«هرسکوویتس» می‌گوید: فرهنگ بنایی است که مبین تمامی باورها، رفتارها، دانشها، ارزشها و مقاصدی است که شیوهی زندگی هر ملت را مشخص می‌کند و یا «پانوف» و «پرن» فرهنگ را مجموعه‌ای از آگاهیها (شناختها) و رفتارهای فنی، اقتصادی، آیینی، مذهبی، اجتماعی و غیره می‌دانند که یک جامعه‌ی انسانی معینی را مشخص می‌کند.

مهاجر در ادامه یادآور شد: در واقع می‌توان گفت که فرهنگ سیالی است که انسان از بدو تولد تا دم مرگ در آن است؛ در آن متولد می‌شود، رشد می‌یابد، با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و نهایتاً در آن می‌میرد. وی اضافه کرد که البته در هر جامعه‌ای چون گروههای اجتماعی متفاوتی وجود دارد (مانند گروههای قومی، مذهبی، زبانی و غیره) در نتیجه خرده فرهنگهایی در جامعه وجود دارد که در برخی جزئیات تفاوتهایی با فرهنگ کلی و ملی دارد. او در ادامه سخنانش گفت که عناصر عمده‌ی فرهنگ نمادها هستند، مثل زبان، هنرهای، ارزشها و مصنوعات، رویکردها و باورها و همه‌ی اینها تغییر پذیرند؛ مثل نگاه به فرزند آوری چنانکه نرخ مولید در اواخر دهه‌ی شصت در ایران ۳/۷ و یا به روایتی ۳/۹ درصد بود و اکنون این نرخ به ۱/۲ درصد و حتی کمتر کاهش یافته است.

وی در ادامه اضافه کرد که این تغییر به دلایل تغییر نگاه و رویکرد، افزایش دانش، رشد فردگرایی، رشد سکولاریسم و همانند آنها شکل گرفته است.

وی گفت: برای روشن شدن تاثیر فرهنگ بر توسعه ساموئل هانتینگتون مطالعه‌ای را انجام داده که در آن مقایسه‌ای میان کره جنوبی و غنا در دهه‌ی ۱۹۶۰ و سپس اوایل سال ۱۹۹۰ صورت گرفته است. در این مطالعه این دو کشور در دهه‌ی ۱۹۶۰ تقریباً در وضعیت مشابه و برابر و در عین حال عقب افتاده‌ای قرار داشتند ولی در اوایل سال ۱۹۹۰ غنا همچنان یک کشور عقب مانده بود در حالی که کره جنوبی به یک کشور صنعتی تبدیل شده و جایگاه چهاردهمین اقتصاد جهان را به خود اختصاص داده بود که اینها بخش عمده‌اش به

فرهنگ بر همه بخشهای زندگی اجتماعی و حتا فردی انسانها نقش دارد. حال این نقش می‌تواند آثار مثبت و منفی داشته باشد.

در همایشی که در بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ از سوی مرکز تعالی سازمانی سازمان مدیریت صنعتی در محل مرکز برگزار شد، آقای دکتر داریوش مهاجر دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران طی سخنرانی خود به نقش فرهنگ در حمایت از تولید ایرانی پرداخت.

مهاجر در ابتدای سخن گفت که برای ورود به بحث، مقدماتی لازم به ذکر است که از جمله‌ی آنها موارد زیر می‌باشد:

الف- رشد و توسعه و به طور مشخصتر توسعه اقتصادی و به ویژه توسعه‌ی صنعتی در همه‌ی جوامع به دو شکل امکانپذیر است، درونزا و برونزا. جوامع چیزهایی از ایده، رفتار، محصول و غیره را در داخل جامعه‌ی خود بوجود آورده و تولید می‌کنند و البته بسیاری چیزها را از جوامع دیگر که آنها نیز چیزهایی را در درون جامعه خود می‌سازند، اخذ می‌کنند. اصولاً هیچ جامعه‌ای صرفاً براساس ساخته‌های داخل به رشد و توسعه دست نمی‌یابد و ارتباطات میان جوامع یک ضرورت است.

وی یادآور شد که هرگاه توسعه بر یک مفهوم اقتصادی صرف تکیه کند بر تفاوتها و بحرانهای اجتماعی دامن خواهد زد و پیامد چنین وضعی می‌تواند ایجاد اختلال در ساختار ملی باشد.

ب- توسعه‌ی اقتصادی را بدون توسعه فرهنگی در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان در نظر گرفت. چرا که فرهنگ در همه‌ی امور زندگی اجتماعی انسانها دخالت دارد.

ج- نکته‌ی دیگر اینکه صنعتی شدن یک ضرورت در دنیای امروز است چرا که آثار آن همه‌ی حوزه‌های جامعه را در برمی‌گیرد. به قول اینگلهارت و ولزل، نوسازی سندرم تغییرات اجتماعی مرتبط با صنعتی شدن است. هنگامی که این سندرم به جریان افتد، در همه‌ی جنبه‌های زندگی رسوخ کرده و تخصصی شدن، شهرنشینی، رشد آموزش، افزایش امید به زندگی و رشد اقتصادی سریع را به همراه می‌آورد.

دکتر مهاجر در ادامه سخنانش یادآوری کرد که جامعه یک سیستم است و تغییر و اشکال در هر یک از زیرسیستمها چون نهاد سیاست، نهاد اقتصاد، نهاد



فرهنگ ارتباط می‌یابد.

مهاجر در ادامه سخنانش با نگاهی به زمینه‌ی تاریخی صنعت ایران گفت:

ایران در دوره‌ی صفوی در حد و اندازه‌های کشورهای اروپایی به لحاظ صنعت و توسعه‌ی اقتصادی قرار داشت. ایرانیان چیزهایی چون پارچه‌ی ابریشمی و یا چرم را تولید و به کشورهای اروپایی می‌فروختند و در مقابل کالاهایی را از آنها می‌خریدند. اما از قرن هجدهم میلادی این توازن بهم ریخت که از دلایل آن عقب افتادن تدریجی ایران پس از عصر صفوی به دلایل گوناگون از جمله به دلایل سیاسی و فرهنگی بود و در عوض برخی کشورهای اروپایی چون انگلستان و فرانسه از نیمه دوم سده‌ی هجدهم وارد عصر صنعتی شدند. بعد هم قرارداد ترکمانچای مهمترین دلیل شکست ایران در دفاع از صنعت ملی و البته حذف زیانبار تجاری و گمرکی در آن کشور ما بسیار خسارتبار بود. وضع عوارض صرفاً پنج درصدی روسی و انگلیسی وارداتی براساس قراردادهای گلستان و ترکمانچای نه تنها باعث کاهش عواید دولت ایران بلکه موجب تسهیل در واردات گسترده کالاهای روسیه و انگلستان به ایران شد.

وی اضافه کرد: در آن زمان انگلیسیها که نفوذ سیاسی در دربار قجری و ایران داشتند به دنبال نفوذ اقتصادی و فرهنگی هم بودند و لذا تلاش کردند که در جامعه‌ی ایران جا بیندازند که کالای فرنگی از کالاهای ایرانی بهتر است. این نگاه به تدریج در جامعه‌ی ایران جا افتاد و طی نسلها نهادینه شد به طوری که دیگر امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران باور دارند کالای خارجی (هر آشغالی) از کالای ایرانی بهتر است. متأسفانه این نگاه فرهنگی در جامعه‌ی ما همه گیر است.

مهاجر گفت: در یک بررسی که توسط کنفدراسیون صنعت ایران از صاحبان و مدیران ارشد صنایع بعمل آمد، اکثریت قریب به اتفاق پاسخ دهندگان (بیش از ۹۵ درصد) اعلام کردند محصولات خارجی (از جمله خودرو، لوازم خانگی، مقاطع فولادی، لاستیک خودرو) را بر محصولات تولیدی مشابه ایرانی ترجیح می‌دهند

و در این میان ۹۰ درصد از پاسخ دهندگان اعلام کردند که فقط دو محصول رب و مبل ایرانی بر مشابه خارجی را ترجیح می‌دهند. این یعنی فاجعه، چرا که حتی تولید کننده‌ی ایرانی هم خودش و محصولش را خیلی باور ندارد.

مهاجر در ادامه یادآور شد که طرز تلقی و نگرش اکثریت مردم ایران به دلایل گوناگون از جمله دلایل گوناگون از جمله دلایل تاریخی که بدان اشاره شد و نیز عقب ماندگی تکنولوژیک، ناباوری به خود و همانند آنها در عرصه‌ی تولید و صنعت و البته کاهش اعتماد میان ملت و دولت باعث شده که تقریباً همه‌ی آحاد مردم جنس خارجی بر جنس داخلی ترجیح دهند.

ضمن آنکه فاصله‌ی صنعت و تکنولوژی ایران در چهار دهه‌ی گذشته از صنعت دنیا بیشتر شده و این امر باعث تمایل بیشتر به کالای خارجی گردیده است. در این شرایط اینکه فقط دولتمردان از مردم بخواهند تولیدات ایرانی مصرف کنند، کافی نیست.

دکتر مهاجر در ادامه تأکید کرد در شرایط امروز همه‌ی مردم ایران باید تغییر پذیر شده و به ویژه تولیدکنندگان ایرانی باید در شرایط امروز روند سریع تغییرات خود را با آنها تطبیق دهند و اصولاً تغییرپذیر باشند. کالای با کیفیت و قیمت رقابتی مناسب تولید کنند؛ خود باوری داشته و پس از تولید کالای خود نمانم با برند خود را بر روی محصول تولیدی ثبت نمایند.

وی همچنین یادآور شد که تغییرات فرهنگی کند و بطئی است و خلاصه آنکه تغییر رویکرد و باور ایرانیان به کالای خارجی امری زمانبر است.

مهاجر در انتها تأکید کرد که برای عبور از باور سخیف «بهتر بودن کالای خارجی از کالای ایرانی» اقدامات چند جانبه‌ای در حوزه‌ی علم و تکنولوژی، اقتصاد و نهایتاً فرهنگ باید انجام پذیرد. از جمله‌ی این اقدامات استفاده از فناوریهای جدید برای تولید کالای باکیفیت، رعایت موازین بازار، نمانم سازی و خود باوری، اجتناب از تقلب و فساد، آموزش، کار رسانه‌ای و همانند آنها که اگر چنین شود حداقل یکی دو نسل زمان می‌برد که نگاه ایرانیان در این زمینه تغییر کند.

اینترنت اشیاء (IoT) فرصت‌هایی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط



مقاله

مهندس علی اکبر
صابری زعفرندی

رشد پایدار

فناوری‌های پیشرفته اساس، و تعدد دستگاه‌های متصل، توان رشد IoT را تامین کرده‌اند. پیش بینی می‌شود که در عمل سرمایه‌گذاری بر روی فناوری IoT تا سال ۲۰۲۳ رشد سالانه ۱۳/۶ درصد داشته باشد. این رشد عظیم به مدد توان پردازش کامپیوترها و ارتباط پایدار و مطمئن موبایل میسر خواهد بود. حسگرهای مورد نیاز IoT نیز هر روزه ارزانتر، پیشرفته‌تر و در دسترس‌تر وری خواهند بود که خود سبب می‌شود حسگرهای جدیدی به بازار عرضه شود.

کاربرد وسیع

تاکنون بیش از ۲۰۰ نوع کاربر در شرکت‌های بزرگ برای IoT شناسایی شده است. اما کاربردها به شرکت‌های بزرگ محدود نخواهد ماند. در حال حاضر IoT در گستره وسیعی در صنایع نسل چهارم، شهرهای هوشمند، خانه‌های هوشمند، اتومبیل‌های متصل به شبکه و سلامت الکترونیک به کار گرفته شده است. پیشرفت هرچه بیشتر فناوری IoT بدان معنی است که کاربران اکنون توانایی‌های عملیاتی زیادی به دست آورده‌اند که پنج سال پیش از آنها هیچ خبری نبوده است. به عنوان مثال کاربرد در B2B، کاربرد در صنعت نسل چهارم که تازه آغاز شده است. این فناوری‌ها به بنگاه‌ها امکان می‌دهد که به محصولات خود در هر جا دسترسی مستقیم داشته باشند، و این دسترسی به آنها امکان می‌دهد که تعمیرات پیشگیرانه انجام دهند و بهره‌وری و زمان کار محصولات را افزایش دهند.

فرصت قابل ملاحظه بازار

در طول پنجساله گذشته انبوه فناوری‌های مرتبط با IoT پیشرفت زیادی کرده است و در عین حال هر بخشی از آن، فرصت قابل توجهی برای رشد بازار ایجاد نموده است. پلتفرم‌های توانمند سازی دستگاه‌ها مزیت راهبردی برای رشد IoT ایجاد کرده است و این در حالی است که خود آنها نیز در روند رشد سیر می‌کنند. دستگاه‌های هوشمند یک لایه اساسی از فناوری IoT را تشکیل می‌دهند و در زمره محصولات به بلوغ رسیده قرار دارند. این دستگاه‌ها تحت سلطه شرکت‌های سازنده بزرگ و تامین کنندگان حرفه‌ای قرار دارند و رشد سالمی را هم در بازار تجربه می‌کنند.

لایه دیگر، لایه ارتباطی فناوری IoT است که به

کشور ما فرصت‌های بی‌شماری را در روزآمد کردن فناوری‌های مورد نیاز کسب و کارها از دست داده است. اکنون ما در آستانه انقلاب صنعتی نسل چهارم قرار داریم و اگر این فرصت را هم از دست بدهیم بعید است که بتوانیم عقب ماندگی‌های خود را جبران کنیم. از این روی به رغم گرفتاری‌های بی‌شماری که داریم توجه ما به مرزهای نو فناوری می‌تواند روزنه امید و راهگشای آینده گردد. این نوشتار برگرفته از گزارش سال ۲۰۱۹ شرکت مکینزی است که امید می‌رود برای خوانندگان مفید واقع شود.

بلوغ زیرساخت‌ها سبب شده است که فناوری‌های مرتبط با اینترنت اشیاء آسان‌تر پیاده سازیشانتر پیاده سازی شود و برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران فرصت‌های نو فراهم می‌آورند. پس از سال‌ها تبلیغات پر سر و صدا، انتظار کشیدن‌ها و تجربه رشد مداوم به نظر می‌رسد که اکنون اینترنت اشیاء به شاهره کاربرد در کسب و کارها گام نهاده است. از سال ۲۰۱۴ تا امروز تعداد کسب و کارهایی که از اینترنت اشیاء بهره می‌گیرند از ۱۳٪ به ۲۵٪ رسیده است. و تعداد دستگاه‌هایی که در سراسر جهان به شبکه‌ها متصل هستند بر اساس پیش‌بینی‌ها در سال ۲۰۲۳ به ۴۳ میلیارد دستگاه خواهد رسید. یعنی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۲۳ تقریباً سه برابر خواهد شد.

این رشد سریع هم عامل و هم پی آمد فناوری‌هایی است که اساس اینترنت اشیاء را می‌سازند. بعضی افراد پیشرفت فناوری را در این می‌بینند که کاربرد اینترنت اشیاء برایشان آسان شود و راه برای بهره‌گیری شرکت‌های بیشتری برای کاربرد آن گشوده شود. در عمل سال‌هاست که شرکت‌های بزرگ منابع قابل توجهی را برای اینترنت اشیاء سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از مزایای آن بهره می‌برند حال آنکه از موج اخیر بلوغ اینترنت اشیاء شرکت‌های کوچک و متوسط نیز می‌توانند برخوردار شوند. اگر چه آنها سرمایه‌گذاری مناسبی بر روی کاربرد IoT نمی‌کنند لکن بر روی کاربرد راهکارهای آن می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند. به نظر می‌رسد اکنون فرصتی برای ارزیابی مجدد راهبردها پیش آمده است تا شرکت‌های خصوصی برای ارزش آفرینی قابل ملاحظه بر روی اینترنت اشیاء سرمایه‌گذاری کنند.



مقاله

مهندس علی اکبر
صابری زفرقندی

اهمیت سکوهایی توانمند ساز

سکوهایی که دستگاه‌ها را توانمند می‌کنند، پلتفرم‌هایی هستند که امکان می‌دهند دستگاه‌هایی که به شبکه متصل هستند داده‌های مورد نیازشان را دریافت کنند، ارایه دهندگان رابانش ابری و نرم افزارهایی که فرآوری را برای IoT فراهم می‌کنند منابع ارزشمندی برای رشد ارزش‌آفرینی هستند. خلاصه اینکه سکوهایی توانمند ساز، عملکرد مالی، هزینه‌ها و همچنین کارآمدی عملیات شرکت‌های متوسط را بهبود بخشیده‌اند. زیرا این سکوها برای شرکت‌های متوسط استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات را آسان می‌کنند.

تحقیقات شرکت مکینزی نشان می‌دهد که سکوهایی توانمند ساز از اهمیت زیادی برخوردارند زیرا شرکت‌های کوچک و متوسط و کسانی که در خانه کار اداری می‌کنند (دفترهای خانگی) رشدشان سریع است. درآمد این گروه‌ها ممکن است با نرخ تصاعد هندسی سالانه ۲۴ درصد رشد کند که پی آمد آن رشد ۴۸ درصدی برای IoT است.

کاربرد سکوهایی که دستگاه‌های متصل به شبکه را توانمند می‌کنند

این سکوها در واقع زمینه بهره‌گیری از ابزارهای دستگاه‌های متصل به شبکه‌اند که در حال حاضر درآمدی حدود ۲ میلیارد دلار ایجاد کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۳ حجم این بازار به ۱۴/۵ میلیارد دلار برسد. مهمترین سکوهایی توانمند ساز عبارتند از:

1. دسترسی دستگاه‌ها به داده‌های عمومی و امکانات رفع مشکل
2. پایش از راه دور با دسترسی بر خط به موارد مورد نظر
3. کنترل از راه دور که دستگاه‌های متصل به شبکه را از راه دور کاملاً می‌توان مدیریت کرد.
4. مدیریت اتفاقات که امکان می‌دهد در خطوط تولید به صورت برخط عملیات تعمیر و نگهداری را انجام داد.
5. پشتیبانی یکپارچه و همزمان نرم افزار و وسایل متصل به شبکه که روزآوری‌ها و اصلاحات نرم افزارها را سریع و آسان می‌کند.
6. ارتباط با متخصصان در درون سامانه‌های یکپارچه به منظور بهره‌گیری از نظر و مشورت آنان.

اپراتورهای موبایل وابسته است. آنها هستند که ارتباط استاندارد موبایل را برای IoT فراهم می‌کنند. البته تعداد اندکی از استارت آپ‌ها هم گام در این راه نهاده‌اند و در زیر بخش‌هایی مانند WAC کم مصرف، موفق بوده‌اند. فناوری ارتباطی هنوز هم از بازار رشد پاینده‌ای برخوردار است که تحت تاثیر استانداردسازی جهانی در این لایه از فناوری قرار گرفته است.

رایانش ابری سومین لایه فناوری است که پردازش و ذخیره اطلاعات و همچنین دسترسی به دستگاه‌های متصل به شبکه و داده‌های موجود را آنها و استانداردهای ارتباطی را سان نموده است. در تکمیل این فناوری ابزارهای تحلیل داده‌ها و ابزارهای محاسباتی ظهور کرده‌اند که تفسیر، تجسم و واقع‌نمایی داده‌ها را عملی کرده‌اند. این سکوها در طول پنجسال گذشته توسعه و تکثیر شده‌اند و زمینه پیاده‌سازی برنامه‌هایی را فراهم آورده‌اند. که چشم‌انداز ورده‌اند. که چشم‌انداز از مطلوبی برای بازیگران اصلی ایجاد کرده است.

لایه‌نهایی این فناوری برنامه‌های کاربردی کسب و کارهاست که به گونه‌ای پیوسته راهکارهای ناموفق و ناهمخوان را تولید کرده است. این مشکل ناشی از همزیستی شرکت‌ها با استارت آپ‌هاست که مستقل و بی‌ارتباط با روندهای کلی فناوری برای هر مشکل راهکاری ارایه کرده‌اند. به خاطر سابقه طولانی امر احتمال وجود بیشترین فرصت‌های مالی در این لایه قرار دارد.

پیشرفت در رابانش ابری

سکوهایی رابانش ابری از سخت‌افزار گرفته تا محیط‌های عملیاتی و مراکز داده‌های برخط، طی پنجسال گذشته سریعاً رشد کرده‌اند و اکنون با نرخ تصاعد هندسی سالانه ۱۸ درصد رشد می‌کنند. شرکت‌های بزرگ فناوری ظرفیت انبارش و توان محاسباتی خود را در این سامانه به اشتراک نهاده‌اند که به منزله انرژی حیاتی برای کاربران است و به ایجاد شمار زیادی از توانمندی‌های پیچیده در حوزه امنیت و تحلیل داده‌ها منجر شده است. این توانمندی‌ها به کمک مشارکت‌های فنی و راهبردی ارایه دهندگان تخصصی سرویس‌های IT محقق شده است. به عنوان مثال اگر یک ارایه دهنده زیر ساخت‌های رابانش ابری با ارایه دهندگان راهکارهای تحلیل داده مشارکت کند در چنین صورتی است که انجام محاسبات بر روی موبایل محقق می‌شود که به سهم خود ضمن کاهش تراکم بار شبکه‌ها به افزایش سرعت برنامه‌ها نیز کمک می‌کند و در نهایت کاربرد IoT را آسان‌تر می‌سازد.



فقیر و فقیرتر

میپذیرد و باعث بالا گرفتن معضلات اقتصادی و افزایش شکاف فقر و بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه می‌شود.

برای مثال با توجه به تسلیم بودجه سال ۹۹ به مجلس از سوی دولت که در آن افزایش ۱۵ درصدی حقوق‌ها نوید داده شده، در واقع فقر بیشتر و فشار اقتصادی بیشتر را به مردم ارایه می‌دهد. سالهای قبل فقط یک بار شاهد افزایش قیمت‌ها بودیم و کارمندان و کارگران با حس امنیت اقتصادی بیشتری سال را به پایان می‌رساند. اما به لطف تصمیمات برخی از مسوولان، شاهد افزایش روز به روز قیمت‌ها در حوزه‌های مختلف انرژی، مسکن، کالاهای اساسی و غیره هستیم. یعنی یکبار ابتدای سال که افزایش حقوق‌ها رخ می‌دهد به طور کلی همه‌ی کالاها افزایش قیمت پیدا می‌کنند. بعد هم با سخنان و تصمیمات ارزی دوباره قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کنند و پس از آن به لطف مسوولان با افزایش قیمت سوخت دوباره قیمت‌ها افزایش می‌یابد و این پروسه تا شب عید ادامه دارد یعنی در یک سال مالی به جای تحمل حداقل یک بار افزایش قیمت بارها و بارها این اتفاق رخ می‌دهد در نتیجه بسیاری از کارفرمایان از چرخه تولید خارج می‌شوند چون نه توان خرید مواد اولیه را دارند و نه می‌توانند پاسخگوی نیازهای کارگران باشند. و اینگونه می‌شود که بیکاری و فقر روز به روز بیشتر و گسترده‌تر می‌شود. به گفته جانشین پلیس پایتخت: وضعیت اقتصادی نامناسب باعث افزایش سرقت خرد شده است.

رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار ایران می‌گوید: سید معاش در شهریور ماه از مرز هشت میلیون تومان گذشته و به هشت میلیون و ۷۴ هزار تومان رسیده است؛ به عبارت ساده‌تر، یک خانوار ۳.۳ نفره اگر بخواهد همه مولفه‌های زندگی را در حد نسبتاً قابل قبولی فراهم آورد، در شهریورماه ۹۸ نیاز به هشت میلیون و ۷۴ هزار تومان درآمد داشته این در حالی است که حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۸ یک

تورم و توزیع نابرابر درآمدها دو مشخصه غالب کشورهای رو به توسعه و جهان سومی می‌باشد و تحقیقات زیادی پیرامون آن صورت گرفته است. لذا با توجه به اثر آشکار و نامطلوب تورم بر توزیع درآمدها و رابطه متقابل بین توزیع درآمد و رشد اقتصادی، بررسی اثر تورم بر نابرابری اقتصادی و توجه بدان اهمیت دارد.

توزیع برابر منابع اقتصادی میان کل افراد جامعه معمولاً از استراتژی‌های اساسی دولت‌ها محسوب می‌شود. توزیع نابرابر باعث می‌شود که شکاف طبقاتی به شدت افزایش یابد و از نظر اجتماعی و سیاسی امنیت کشور را با تهدید مواجه کند. در اقتصاد برای محاسبه نحوه این توزیع از شاخصی با عنوان ضریب جینی استفاده می‌شود. ارقام این شاخص از صفر تا یک است که در آن عدد صفر نشان‌دهنده برابری کامل و بالا رفتن این عدد به معنای نابرابری بیشتر است. عوامل زیادی در اقتصاد وجود دارد که شاخص ضریب جینی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. با اینکه یکی از عواملی که همیشه مورد توجه پژوهش‌های اقتصادی بوده، نرخ تورم بوده است اما در زمینه تاثیرات آن نظرات متفاوت و گاهی متضادی وجود دارد. محمدتقی فیاضی، مدیر گروه اقتصاد کلان مرکز پژوهش‌های مجلس در گفت‌وگو با «تعادل» می‌گوید که تورم به دلایل زیادی موجب افزایش نابرابری در توزیع درآمدها می‌شود.

در کشورهایی مانند ایران که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد، گونهای پس انداز، اجباری شمرده می‌شود که به تملک دولت در می‌آید، در اصطلاح به این پس انداز، مالیات تورمی گفته می‌شود. در واقع دولت با افزایش حجم نقدینگی و ایجاد تورم، از شهروندان از راه افزایش قیمت، مالیات می‌گیرد و گونهای از جریان انتقال ثروت از کسانی که درآمدهای ثابت دارند به سوی کسانی که افزایش حجم نقدینگی به آنها تعلق می‌گیرد پدید می‌آید. این روند از راه گسترش اعتبارات صورت

میلیون و ۵۱۷ هزار تومان تعیین شده بود.

در بخش مسکن متوسط قیمت آپارتمان در تهران بهار امسال ۲۲ درصد افزایش یافته است؛ متوسط قیمت فروش هر متر مربع زیربنای مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی در بهار سال ۱۳۹۸ در شهر تهران حدود ۱۳,۱ میلیون تومان بوده که نسبت به فصل قبل ۲۲,۷ درصد افزایش داشته است. به گزارش تجارت نیوز همچنین قیمت مسکن در آذر ماه نسبت به آبان ماه امسال به طور میانگین ۶,۸ درصد افزایش و نسبت به آذر ماه سال گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته است.

همچنین بانک مرکزی اعلام کرد که کرایه مسکن در شهر تهران بیش از ۲۸ درصد نسبت به پارسال بیشتر شده است. طبق آنچه بانک مرکزی اعلام کرده است، شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران و در کل مناطق شهری در آذر ماه امسال نسبت به ماه مشابه پارسال افزایش یافته است. بر این اساس، کرایه مسکن در شهر تهران بیش از ۲۸ درصد در آذرماه امسال نسبت به مدت مشابه پارسال بیشتر شده است. همچنین کرایه مسکن در کل مناطق شهری کشور نسبت به پارسال بیش از ۳۰ درصد افزایش را تجربه کرده است.

به گفته رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران: خانوارهای استان تهران به طور میانگین ۳۰,۶ درصد بیشتر از مهر ۱۳۹۷ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه به نقطه مهر ماه ۱۳۹۸ استان تهران در مقایسه با ماه

قبل ۴,۳ واحد درصد کاهش یافته است. همچنین اعظم نوری عضو شورای شهر تهران خبر داده است که کاهش میزان زباله‌های خانگی در پی کم شدن قدرت خرید مردم است.

با توجه به افزایش قیمت‌ها؛ مشکلاتی از قبیل افزایش اجاره‌بها، خرید مواد اولیه و غیره برای کارفرمایان نیز پیش می‌آید که موجب می‌شود کمر کارفرما زیر بار این تورم قیمتی خم شده و راهی جز تعطیلی برای وی باقی نگذارد.

در پی آن تعطیلی؛ یک کارگر بیکار به جمع بیکاران اضافه می‌شود، این در حالی است که داشتن کار از حقوق اولیه‌اش برای ادامه زندگی می‌باشد. به همین شکل معضلات اجتماعی بیشتر و بیشتر می‌شود و این زنجیره‌ی معیوب روز به روز گسترده‌تر و طولی‌تر می‌شود.

و اینگونه است که سن ازدواج بالا می‌رود و خیلی از جوانان در سن ازدواج بخاطر فقدان امنیت شغلی و مالی از ازدواج سر باز می‌زنند و به همین دلیل نرخ زاد و ولد نیز با کاهش شدید مواجه می‌شود.

حال این سوال پیش می‌آید که آیا یک کارمند یا کارگر با ماهی ۲ میلیون تومان چه طور باید از پس هزینه‌های زندگی برآید.



کیفیت و استاندارد در اقتصاد

برگردان

اعظم سادات جعفر آبادی

برخی کشورها، برخی دیگر کاملاً مسیر معکوس را در پیش گرفتند؛ در این کشورها استاندارد زندگی امروز از دیروز بدتر شده است. پرسش مهم در این زمینه، دلیل این حجم از واگرایی بین کشورهاست. دانشمندان و اقتصاددانان زیادی در این حوزه تحقیق کرده‌اند. به طوری که شاخه گسترده‌ای از تحقیقات در این حوزه توسعه یافته است. محققان مدل رشد کشورهای گروه اول را بررسی و با دلایل سقوط گروه دوم مقایسه کرده‌اند و پاسخ این سوال را به طور قطعی داده‌اند. به نحوی که امروزه علم دریچه پیشرفت را به طور کامل به جوامع نشان داده است.

“کیفیت از جایی شروع می‌شود که استاندارد به پایان برسد.”

کیفیت برای همه شرکتها در تمام صنایع از بالاترین اهمیت برخوردار است. اما برای اینکه در درازمدت در این رقابت باقی بمانیم، به مفهوم جدیدی از کیفیت نیاز داریم. کیفیت به عنوان یک عامل موفقیت و ویژگی متمایزکننده مهم است. این مطالعه، استانداردهای تغییر یافته کیفیت در قرن بیست و یکم را نشان می‌دهد و روشن می‌سازد که علاوه بر مجموعه‌ای از حداقل الزامات، عوامل جدید در آینده نیز تعیین کننده خواهد بود که از کیفیت بالا و بالاترین کیفیت برخوردار است. این روند روندهای اقتصاد و جامعه را تحریک می‌کند که توسعه را به سمت یک مفهوم جدید و توسعه یافته از کیفیت سوق می‌دهد و پیشنهادات مشخصی در مورد چگونگی افزایش کیفیت ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر کیفیت را مطابق نیازهای فرد تراز کنید محصولات و مارک‌های دیگر فقط نیازهای اساسی را برآورده نمی‌کنند، بلکه متناسب با سبک زندگی هستند.

کیفیت اغلب با این شعار همراه است: کیفیت برتر از بیشتر است. برای اقتصاد خدمات این بدان معنی است که نه استانداردسازی بلکه خلاقیت لازم است. تمرکز روی نیازهای فردی باعث پیشرفت می‌شود نه

به نظر شما کیفیت و استاندارد کجای زندگی فردی و اقتصادی آدمی جای دارد؟ یا استاندارد و کیفیت چه نقشی در زندگی ما انسانها دارد؟ خیلی دور نرویم مثلاً کیفیت تبلیغات چه نقشی دارد؟ یا از نظر کیفی تبلیغات چگونه باید باشد؟ کجا و چگونه می‌توان محتوای تبلیغاتی را تبلیغ کرد؟ آیا آنها همان تأثیر را در جایگاه کیفی برند می‌توانند داشته باشند؟ پاسخ این سؤالات و سؤالات دیگر را می‌توان در دو ترجمه پایان نامه و مقاله آلمانی دریافت کرد. در این باره مطالعه گسترده‌ای انجام شده است. برای نمونه با استفاده از قلم و تی شرت، اثر مواد تبلیغاتی بررسی شده است. از میان ۲۲۹ شرکت کننده، ۶۲ درصد در یک مطالعه طولی در مورد ادراک برند شرکت کردند. بانوان شرکت کننده سنین ۱۷ تا ۸۶ سال ۳۲٫۸ درصد را از آن خود کردند. علاوه بر سایر هدایا، یک قلم و یک تی شرت نیز به عنوان هدیه در مسابقه قرار داده شد. به طور کلی، واکنش‌ها به مطالب تبلیغی به طور مداوم مثبت بود. در این مطالعه شرکت کنندگان مطالب تبلیغاتی را دوست داشتند و از این موضوع خوشحال بودند. این همانی است که در واقعیت می‌بینیم. در این مطالعه تفاوت قلم‌ها و تی شرت‌ها به لحاظ کیفیتی کاملاً درک شد.

کیفیت این قلم در بهره‌گیری از آن دیگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در حقیقت ویژگی‌های کیفی قلم بسیار مهم‌تر از ارتباط عاطفی با آن است. این قلم در مقایسه با قلم‌های استاندارد، از کیفیت بالاتری برخوردارند.

نمونه‌ای که مطرح شد مربوط به کیفیت و استاندارد زندگی اقتصادی فردی است. استاندارد و کیفیت در دهه‌های گذشته برخی کشورها رشدهای خیره‌کننده‌ای را تجربه کرده‌اند؛ به گونه‌ای که استاندارد زندگی نسل فعلی با کیفیت زندگی پدران و پدربزرگان آنها تفاوت چشمگیری دارد. البته گذر زمان الزاماً منجر به تغییر استاندارد زندگی می‌شود، اما نکته مهم تفاوت کشورها در مسیر پیشرفت است. ضمن رشد خیره‌کننده در



استانداردسازی. منحصر به فرد بودن در حال تبدیل شدن به یک معیار مهم خرید است. این بدان معنا نیست که برای ایجاد بی نظمی، زیاده روی و ناراحتی، انتخاب های بیشتری لازم است. این در مورد کاهش پیچیدگی است. مشتریان تقاضا می کنند که دقیقاً خواسته های آنها را برآورده سازند.

بنابراین حداکثر انعطاف پذیری و چابکی برای شرکت ها و کارمندان آنها لازم است. روزهایی که محصولات فقط با عملکرد و عمرشان راضی می شوند. ارزش افزوده اقتصادی و اجتماعی محصولات به بحث تعیین کننده خرید تبدیل می شود، زیرا مردم به طور فزاینده ای آماده هستند تا روی محصولات «خوب» سرمایه گذاری کنند. پکی و پایداری معیارهای تعیین کننده کیفیت در آینده هستند. محصول سازگار با محیط زیست تبدیل به یک ویژگی با کیفیت می شود. چیزهای زیادی وجود دارد که نشان می دهد جامعه یکبار مصرف ما در حال گذار به یک اقتصاد در چرخش است. در این اقتصاد بازیافت محصولات و مواد اهمیت بیشتری پیدا می کند. ارزیابی چرخه عمر محصول از اهمیت بیشتری برخوردار می شود، همچنین این سؤال مطرح می شود که آیا مواد اولیه ثانویه و در چه دورانی می توانند در چرخه ها گردش کنند. هرچه سازمانها پیچیده تر و پیچیده تر شوند، محصولات، فرآیندهای تولید و کار آنها، تسهیلات ساخت، کانالهای تصمیم گیری و زنجیره توزیع پیچیده تر می شود، و نهایتاً مدیریت کیفیت به مدیریت ریسک می رسد. تضمین کیفیت به معنای هدایت براساس آخرین یافته ها و همیشه توجه به خواسته های مشتریان است.

از نظر زیست محیطی، روشهای اجتماعی و اخلاقی قابل تردید - چه محلی، منطقه ای و چه جهانی - منجر به بازاندیشی شده اند. درک جدید از کیفیت بدان معنی است که در آینده تأکید بیشتری بر منطقه، ایجاد ارزش محلی و حاکمیت شرکتی مسئولانه خواهد شد. اعتماد فقط می تواند توسط شرکتهایی که دارای سیاست

اطلاع رسانی باز هستند و دستورالعمل های آنها حاوی شفافیت و صداقت است، ایجاد شود. کیفیت واقعی نیاز به بحث، گفتگو، احترام، مسئولیت پذیری و بهره مندی از علت دارد. مشتری فردا فقط در صورتی که محصولات از نظر او سازگار باشد، محصولات و خدمات را انتخاب می کند. بنابراین کیفیت درک شده به جنبه های مختلفی وابسته است: ظاهر، احساس، پردازش - و کل طرح شامل قابلیت استفاده و خدمات قبل، حین و بعد از خرید می باشد. محصولات دیگر فقط لازم نیست «کار کنند» بلکه باید هوشمند باشند. یعنی عملکرد بصری خوب و کاربر پسند یک معیار کیفیت مهم نه تنها در طراحی کالاها بلکه در خدمات نیز می باشد. با افزایش مشتری، مطالبات افزایش می یابد، ارائه دهندگان خدمات نیز موظفند به صورت پیشگیرانه مطالبات کیفیت جدید مشتری را برطرف کنند.

برای مدت طولانی بالاترین حداکثرها این خواهد بود که محصولات و فرایندها شما را یار مردم می خواهند. هر چه رفاه روانشناختی بیشتر در مرکز گفتمان عمومی قرار داشته باشد، علاقه به ارزش افزوده سلامتی بیشتر می شود. با توسعه مواد هوشمند، زمینه های جدید نوآوری در آینده باز خواهد شد. مواد برای بهبود بهزیستی، بهبود سلامت جسمی و روحی و بهبود وضعیت آب و هوای داخلی طراحی شده اند. این بدان معنی است که در آینده استانداردها و گواهی نامه های جدید پذیرفته شده وجود خواهد داشت.

Zukunftsinstitut/asc) In-) ۰۴,۰۷,۲۰۱۳ .
stitute for Marketing and Consumer
Research Univ. Prof. DDr. Bernadette
Kamleitner

مردم تصمیم گیر اصلی جامعه

عمیق نیاز دارند. این تغییرات پس از شکل‌گیری باید طی سالها تداوم یافته و در جامعه نهادینه شود به گونه‌ای که باور به مردم و رای آنها به بخشی از فرهنگ جامعه تبدیل گردد. در آن صورت است که حتی کسانی که بعدها به قدرت می‌رسند و وارد حکومت می‌شوند آنها نیز در درون باور دارند که رای مردم آخرین کلام است و هیچ توجیه دیگری قابل قبول نمی‌باشد.

اما نظر خواهی از مردم همه‌ی حوزه‌ها و بخشها را در برمی‌گیرد، از انتخاب صاحبان قدرت، تا نمایندگان مجلس، مجریان (دولتمردان) و همچنین راهها و مسیرها که معمولا در همه پرسپها مطرح می‌شود. اینکه در جامعه‌ای مردم فقط بتوانند مثلا اعضای شوراهای شهرها را برگزینند و مثلا نتوانند بالاترین مقامهای کشور را انتخاب کنند یا حتی نمایندگان مورد نظر جامعه از غربالهای غیر مردمی بگذرد و همانند آنها در واقع عبور از مردم سالاری و محدود کردن رای و نظر مردم است که تصمیم‌گیرندگان و صاحبان اصلی جامعه تلقی می‌شوند.

توجه به نظر مردم نه تنها مربوط به عصر جدید و مدرنیته که حتی جای پای آن در سده‌های پیش از آن نیز بوده است. مگر نه اینکه امام اول شیعیان، پس از درگذشت پیامبر اسلام به دلیل عدم بیعت با وی بیست و چند سال از سیاست کناره گرفت تا مردم در هر زمان که می‌خواهند به سویش بازگردند و این اتفاق پس از کشته شدن عثمان خلیفه سوم مسلمانان رویداد.

در ضمن باید توجه داشت که وقتی حکومتها متکی به آرای مردم باشند، از پشتیبانی آنها برخوردارند و لذا در شرایط بحرانی همانند مشکلات عمیق و گسترده‌ی اقتصادی، حمله‌ی دشمن خارجی و همانند آنها، ملت به اشکال گوناگون و سرسختانه از حکومت پشتیبانی کرده و از بحران عبور می‌کنند. این در حالی است که اگر حمایت ملتها نباشد، حکومتها معمولا در شرایط بحرانی دوام نیاورده و فرو می‌ریزند. بلکه از همین روست یا حداقل یکی از دلایل اینکه در طول تاریخ گفته و دیده شده که دولتها می‌آیند و می‌روند ولی ملتها می‌مانند متکی بر رای و حمایت ملتها یا عدم پشتیبانی آنهاست.

تصمیم‌گیری در جامعه آثار متعدد در تحول جوامع دارد که از جمله‌ی آنها فراهم شدن امکانات رشد و توسعه است. چرا که وقتی مردم تصمیم می‌گیرند و عناصر مجری و تصمیم‌گیر را انتخاب می‌کنند با اعتماد و همراهی بیشتر در کنار حکومت و دیگر دستگاهها می‌ایستند و این عامل مهمی در رفع مشکلات و حرکت به سوی توسعه است. در غیر این صورت مردم نه تنها دست از پشتیبانیهای خود بر می‌دارند بلکه بعضا با مخالفتها، موانعی نیز ایجاد می‌کنند و اینها در واقع عوامل بازدارنده تلقی می‌شوند. کوتاه آنکه باید پذیرفت جامعه متعلق به مردم است و این مردمند که باید تصمیمات اساسی را اتخاذ کنند.

از هزاران سال پیش که گروههای کوچک انسانی گرد هم آمدند و جامعه را شکل دادند روز به روز جوامع انسانی با مشکلات متعدد بزرگ و کوچک مواجه شدند که با مشکلات قبلیشان که محدود به مواردی اندک چون یافتن غذا و سد جوع، عبور از بیماری‌ها و همانند آنها بود، بسیار متفاوت و گسترده و پرشمار می‌نمود. لذا جوامع به تدریج به ساخت نهادهای اجتماعی چون نهاد خانواده، نهاد حکومت، نهاد دین، نهاد اقتصاد و همانند آنها اقدام کردند تا با این نهادها آسانتر بتوانند از مشکلات و موانع عبور نمایند. البته در این راه موفقیت‌های بسیار نیز بدست آوردند.

پس از طی هزاران سال این نهادها بعضا به قدرت فائقه تبدیل شده و نقششان که خدمت رسانی به آحاد جامعه و در خدمت مردم بودن بود تغییر کرد، به طوری که برخی نهادها چون نهاد حکومت حداقل در سه چهار هزار سال گذشته و تا همین دویست سال پیش با استفاده از قدرت هر چه خواستند کردند و فراموش کردند که جامعه‌ی انسانی آنها را برای خدمت‌رسانی بوجود آورده نه آنکه قدرت برتر برای فشار و سرکوب و شکل‌آفرینی شوند و در واقع صحنه تغییر کرده و مردم خدمت رسان حاکمان شدند.

در طول تاریخ گاه حکومتها و به تعبیر دیگری دولتهایی یافت می‌شدند که نه قدرت سرکوبگری و فشار داشتند (یا نمی‌خواستند و مایل بدان نبودند) و یا اینکه امکان و توانایی خدمت رسانی به جامعه را داشتند و لذا بدون هیچ خاصیتی مدتی بر اریکه‌ی حکومت می‌نشستند و پس از گذشت عمر، جای خود را به دیگران می‌سپردند.

در عصر مدرنیته و شکل‌گیری مردم سالاریهای جدید در دو سده‌ی اخیر هر چند برخی جوامع به واقع و در باطن حکومتهایشان به سیاق پیش از مدرنیته اداره می‌شوند، اما تعدادی از دولتها نیز هستند که با رای واقعی مردم انتخاب می‌شوند و هرگاه مردم نخواهند آنها مجبورند کنار روند حتی اگر این دولتها در میانه‌ی راه باشند و مردم از آنها نارضا، به روشهای مستقیم (با رای مستقیم مردم) یا غیر مستقیم (با رای نمایندگان مردم در مجلسها) اینان کنار گذاشته می‌شوند.

نکته قابل توجه آن است که حتی در عصر حاضر در برخی جوامع قدرت واقعی در دست بعضی مراجع قدرت است ولی دولتی صوری بر سر کار. چنانکه در کشورهایی چون پاکستان یا ترکیه و مصر در دهه‌های گذشته قدرت واقعی در دست نظامیان بود ولی به ظاهر کسانی که بعضا از غیر نظامیان بودند، دولت را تشکیل می‌دادند.

کوتاه آنکه به رغم تحولات شکل گرفته در سده‌ی گذشته در جهان، هنوز شیوه‌های حکومتی همانند اعصار پیشین کم نیستند. به عبارت دیگر باطن همان است و فقط ظاهر تغییر یافته است و البته تاریخ به ما می‌گوید تغییرات ظاهری ناکفا و عمدتا بی حاصل است و جوامع به تغییرات باطنی و



ضرورت

دکتر داریوش مهاجر



رویکرد



عطیه اسماعیل پور
کارشناس مدیریت

«پداگوژی»

یکی از شیوه‌های نوین آموزشی

و راه حلهای درست و منطقی جهت برخورد با این نوع فراگیران را بداند تا بتواند یک محیط مطلوب و مفید بوجود آورد. تا فراگیران از نشستن در کلاس لذت ببرند و خود او هم خستگی را احساس نکند. برای دستیابی به این منظور از شیوه‌های نوین تدریس استفاده می‌شود که در اصطلاح «پداگوژی» نام دارد.

تعریف پداگوژی:

«پداگوژی» در گذشته هنر و علم تربیت کودکان بود و اغلب مترادف با واژه تدریس یا تعلیم و آموزش به کار برده می‌شد. اکنون «پداگوژی» مفهوم گسترده‌تری یافته است و در موارد مختلفی از جمله؛ علم، اخلاق، فلسفه علمی، فنون مختلف و آفرینش آثار زیبا به کار می‌رود. اما مهمترین دستاوردی که از پداگوژی انتظار می‌رود، این است که فراگیران با این روش به جای اینکه نگرش و مهارت‌های خود را مستقیماً از معلمان خود دریافت کنند، بتوانند با راهنمایی معلمان، به کشف و نوآوری برسند و یاد بگیرند که به چه دانش، نگرش و یا مهارتی نیازمندند و چگونه و از چه راهی می‌توانند آن رابه دست آورند.

پداگوژی به معنای علم و هنر پردازش و تبدیل اطلاعات به دانش با همیاری تعامل میان یادگیرندگان، مربی، منابع و بستر تعریف شده است. به گفته «میریو» روش «خوب» یا «بد» در تدریس وجود ندارد، بلکه «موقعیت‌های پداگوژیک» وجود دارد که مستلزم درگیر شدن یادگیرنده با یک مسأله «اجتماعی - شناختی» است. در زبان فارسی «موقعیت پداگوژیک» را دکتر هوشیار معادل «موقعیت مطلوب» تعریف کرده است: «مطلوب آن است که پرورشکار عمل پرورشی را به جایی برساند که آموزش گیرنده بی‌نیاز از مربی گردد.» با توجه به مراتب یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت: مقوله تدریس، یا به عبارت دیگر فرایند یاددهی - یادگیری در برگیرنده دو بخش مکمل یکدیگر است:

۱. مدیریت اطلاعات و ساختار دادن به دانش در قالب متن درسی به وسیله مدرس که دیداکتیک نامیده می‌شود؛ مانند دیداکتیک ریاضیات و دیداکتیک زبان فرانسه به عنوان زبان خارجی.

۲. پردازش و تبدیل اطلاعات برای ساختن دانش از طریق تعاملات میان یادگیرندگان، مدرس، منابع و بستر، همراه با سازماندهی «موقعیت‌های پداگوژیک»

یونسکو قرن بیست‌ویکم میلادی را «قرن یادگیری» نامگذاری کرده و «آموزش با کیفیت برای همه» در دستور کار کشورها قرار گرفته است. در این راستا یادگیری در چهار محور به شرح زیر بازنمایی شده است:

- یادگیری برای دانستن (یادگیری مداوم)

- یادگیری برای انجام دادن (کارآفرینی و تولید)

- یادگیری برای با هم زیستن (پاسداری صلح، محیط‌زیست و توسعه پایدار)

- یادگیری برای بودن (شهروندی و هستی‌وندی مسئولانه و پاسخگو)

برای مثال می‌توان گفت که شما به عنوان یک مربی، استاد و معلم در حرکت نوین و رو به رشد آموزش علوم و مهارت‌های فنی که لازمه زندگی امروزی است نقش ارزنده ای دارید. این مهارتها به منظور رفع نیازها و نارساییها در مراکز آموزشی و صنعتی، آموزش داده می‌شوند که مهمترین مشخصه آن همسو بودن با نیازها و کمبودهای جامعه و صنعت است. به عبارتی می‌توان گفت که بهترین شکل انتقال این مهارتها آموزش های کاربردی است. در هر حال این وظیفه شماسست که به عنوان یک مربی یا استاد یا معلم بذرهای دانش و معلومات کاری و مهارت‌های اساسی را در دل خاک استعدادهای فراگیرانتان که صرفاً به راهنمایی‌های شما اعتماد دارند بکارید.

در روزهای اول کار تدریس خود، شاید با مشکلات بسیاری روبرو شوید یا بعد از گذشت چند سال از آموزش و تدریس در کلاس درس هنوز با مشکلاتی مانند عدم برقراری ارتباط درست با فراگیران، یا نارضایتی فراگیران از نحوه تدریس شما، یا بازدهی پایین تدریس و... مواجه باشید. اینها همه مشکلاتی هستند که کم و بیش مربیان و استادان در حین تدریس و آموزش با آنها روبرو هستند.

یک مربی یا استاد یا معلم و یا هرکسی که مشغول آموزش نونهالان و جوانان و دریک کلام آینده سازان جامعه است باید به نکات مهم و بسیار حساس در عین حال انکار ناپذیر توجه داشته باشد تا اطلاعات مورد نیاز فراگیران را به بهترین شکل و کامل به آنها منتقل نماید.

یک مربی باید تیپهای مختلف کلاس خود را شناسایی

به وسیله مدرس که به بخش پداگوژی تعلق دارد.

الف - پداگوژی شامل:

برنامه ریزی آموزشی و درسی، روشها و فنون تدریس، فناوری و رسانه‌های آموزشی، ارزشیابی و اندازه‌گیری در آموزش و مدیریت آموزشی.

ب - تعلیمات سرپرستی شامل:

بهبود روشها، آموزش ضمن کار، روابط کار، حفاظت و ایمنی در کار و ارتباطات.

شرحی بر پداگوژی انتقادی:

پداگوژی انتقادی رویکردی است برای درک و فهم روابط مدرسه و جامعه از چشم انداز روابط اجتماعی موجود در تولید در قالب نظام سرمایه‌داری. این پداگوژی همچنین رویکردی عملی نسبت به تدریس یادگیری و پژوهش است که از طریق گفتگوی انتقادی و تجزیه و تحلیل دیالکتیکی تجربه روزمره تدریس را مورد تاکید قرار می‌دهد. به طور خلاصه تعلیم و تربیت انتقادی به تدریس با عنایت به عمل انتقادی توجه دارد. رویکرد آن دموکراتیک و هدفش ایجاد و برقراری برابری و عدالت اجتماعی و اقتصادی برای تمام گروههای قومی یا نژادی است. از اصول برابری نژادی، طبقه‌ای و جنسیتی حمایت کرده و در راستای تحقق چنین برابری تلاش می‌کند. مریبان انتقادی از اینکه شرایط ناعادلانه‌ای تجربیات آموزشی گروههای محروم و اقلیت‌ها و سایر افراد به حاشیه رانده شده را در بر گرفته بسیار خشمگین هستند. اگر چه تمام این افراد موافقند که تحقق برابری و شادی اجتماعی به تلاش‌های بسیار عظیم نیاز دارد اما درعین حال براین نکته نیز متعهدند که تعلیم و تربیت باید فرآیندی تغییر یابنده باشد. همانطور که «پائولو فریر» می‌گوید: یکی از وظایف مریبان پیشرفت‌گرا این است که از طریق تجزیه و تحلیل سیاسی درست و جدی، فرصتهای موجود برای امیدواری را آشکار و روشن کنند. صرف نظر از اینکه چه موانعی بر سر راه آنان وجود دارد. تلاش برای انجام کاری در راستای بهبود جهان بدون داشتن امید، به گونه‌ای است که می‌تواند تنها این تلاش را به سطح اعمال برنامه‌ریزی شده و یا صرف رویکردی علمی تنزل دهد اعمالی که در حقیقت نوعی توهم بی اهمیت و سطحی است.

صاحب‌نظران انتقادی در تعلیم و تربیت نظریه را با فعالیتهای سیاسی، فرهنگی، آموزشی به شکلی منحصر به فرد ترکیب و ادغام کرده اند. نظریه انتقادی یک سنت دیرینه است که مبتنی بر استفاده از نقد به عنوان یک روش بررسی و پژوهش است. (۱۹۹۱ کارتری) مطالعات سیاسی در برنامه درسی در ایالات متحده از مکتب فرانکفورت تاثیر بسیار زیادی پذیرفته است و این روند به گونه‌ای بوده که هم اکنون محققانی در

پداگوژی هنر یا علم وجودی یک معلم است. این اصطلاح عموماً به استراتژیها یا راهبردهای آموزش مربوط می‌شود، که برخی از آن به عنوان سبک یادگیری نیز یاد می‌کنند. پداگوژی که در لغتنامه‌ها از آن به معنی «روش آموزگاری»، «فن تعلیم»، «علم تعلیم» ترجمه شده، گه گاهی هم به عنوان استفاده صحیح از راهبردهای آموزشی در جریان فرآیند یاددهی و یادگیری نیز تعریف می‌شود. برای نمونه «پائولو فریر» از روش آموزشی بزرگسالی خود به عنوان پداگوژ انتقادی یاد می‌کند.

در ارتباط با استراتژی‌های آموزشی، اعتقادات فلسفی خود معلم از آموزش به وسیله دورنمای دانش و تجارب شاگردان، موقعیت‌های شخصی و محیطی و نیز اهداف یادگیری که از طریق تعامل دانش‌آموزان و معلمان تنظیم می‌گردد، اداره می‌شوند.

هدف نهایی، از بکارگیری الگوی تدریس پداگوژیک، یادگیری از طریق همیاری و دستیابی به فعالیت‌های عالی ذهنی است. یادگیری از طریق همیاری که در شروع این قرن از طرف «جان دیویی» مطرح شد، در چند سال اخیر از بحث‌های دایمی آموزش شده است. به این ترتیب، فراگیران وارد فرآیند کشف، نوآوری و در یک کلام، خلاقیت می‌شوند و اینجاست که هنرها و از جمله مهمترین و بهترین آنها برای دستیابی به این هدف، وارد میدان می‌شوند و «تأثر پداگوژیک» مفهومی کاربردی و نوین پیدا می‌کند.

برای مثال پداگوژی و تعلیمات سرپرستی نام یکی از دوره‌های حرفه‌ای در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور ایران است که این سازمان خود بخشی از وزارت کار و امور اجتماعی است.

این دوره حرفه‌ای از چهار دوره آموزشی تشکیل شده است:

الف - دوره‌های پداگوژی برای مریبان تازه استخدام و دوره‌های بازآموزی و ارتقای مهارت برای مریبان شاغل.

ب - دوره‌های ویژه برای مریبان و کارکنان سازمانها و نهادها بر حسب تقاضا.

ج - دوره‌های پداگوژی مربوط به مریبان که در دوره‌های کاردانی و کارشناسی شرکت می‌نمایند.

د - اجرای همایشهای تخصصی دوره‌های آموزشی

به طور خلاصه عناوین این آموزش را می‌توان اینگونه نام برد:



این عرصه فعالیت می‌کنند که درصد درگیر شدن و ایفای نقش فعال در ارتقای تغییر اجتماعی در درون نظام آموزشی و خود فرهنگ می‌باشند. این محققان از طریق رد واقع‌گرایی گذشته‌تئوری‌های پست مدرن را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در حین حال دارای آرزوی تربیت شهروندانی توانا و فعال می‌باشند تا بتوانند شرایط را به نفع یک جامعه عادلانه تغییر دهند. شاید یکی از جالب‌ترین تفسیرهای انجام شده کار پایدار باشد که این مولفه را در قالب موارد زیر بیان کرده است:

۱. نظریه باز تولید

۲. ایدئولوژی

۳. برنامه درسی پنهان

۴. سلطه

۵. مقاومت

۶. فرهنگ عامه

۷. هویت سیاسی

این مفاهیم بیان‌کننده هسته اصلی تلاش‌های اندیشمندان حوزه درک سیاسی از برنامه درسی است.

نظریه باز تولید

فهم نظریه باز تولید یا نظریه مطابقت مهمترین نقش در درک برنامه درسی به عنوان یک متن سیاسی را دارا است. به طور ویژه ارتباطات اجتماعی در تعلیم و تربیت، روابط بین مدیران و معلمان، معلمان و دانشاموزان، دانشاموزان و دانشاموزان، دانشاموزان با کارهایشان، سلسله مراتب موجود در دنیای کار و در ارتباط با کارگران را به نمایش می‌گذارد. نظریه باز تولید یکی از مهمترین مولفه‌های درک و فهم برنامه درسی به عنوان یک متن سیاسی است.

ایدئولوژی

مفهوم دیگری که به حوزه برنامه درسی وارد شده و به صاحب‌نظران جهان سیاست محور برنامه درسی کمک کرده تا دیدگاه خود را بهتر معرفی کنند و استدلال خود را به پیش ببرند مفهوم ایدئولوژی است.

برنامه درسی پنهان

برنامه درسی پنهان به مجموعه‌ای از نتایج و جنبه‌های ناخواسته اما کاملاً واقعی فرایند آموزش مدرسه‌ای اشاره می‌کند. برنامه درسی پنهان از برنامه درسی آشکار و یا

طرح‌ریزی شده متفاوت است.

نظریه سلطه (هژمونی)

نظریه سلطه بر عوامل اقتصادی و ساختاری که ناشی از ایدئولوژی طبقاتی است، تأکید چندانی ندارد و تأکید آن بیشتر بر خود ایدئولوژی، نحوه بیان آن، موضوعاتی که به آن اهمیت می‌بخشد و مکانیسم‌هایی که ایدئولوژی به وسیله آنها به حیات خود ادامه داده و با تسلیم قربانیانش به شرایط آن (به ویژه طبقه کارگر) شکوفا شده و در تلقین آن به دیگران و شکل دادن به آگاهی‌های آنان موفقیت حاصل می‌کنند، می‌باشد.

فرهنگ عامه

شاید مهمترین اشاره و نشانه حرکت از نظریه باز تولید و مقاومت به سوی سیاست‌های فرهنگی عبارت باشد از پژوهش در خصوص فرهنگ روزمره یا عامه با این انگیزه که الگوی باز تولید و مقاومت محدود بوده و یا محدودکننده بوده است.

هویت

یکی دیگر از انتقادات سیاسی اخیر مساله هویت بوده است. هدف عمده آموزش و پرورش مدرسه‌ای انکار و تکذیب هویت است. از اینرو کارکرد اصلی مدرسه عبارت است از جدا کردن هویدا سازی دانشاموزان از آنچه که متعلق به آنهاست و بازسازی و تجدید هویت آنها بر اساس بینش و تفکر سلطه‌گرایانه‌ای که به عنوان نظم اجتماعی مسلط وجود دارد. از این رو برای بچه‌های طبقه کارگر اطاعت از برنامه درسی به معنای داشتن آرزوی تحرک اجتماعی است.

نظریه مقاومت

به طور کلی اندیشه مقاومت با آثار «پاول ویلیس» گره خورده است. وی در آثار خود مروج این نوع نگاه بوده که می‌توان و باید در مقابل فرایند باز تولید مقاومت کرد. صاحب‌نظران انتقادی اصرار داشتند که صداها و دیدگاه‌های معلمان و دانشاموزان به واسطه تلاش‌های محافظه‌کاران برای اجرا و اشاعه برنامه درسی ویژه‌ای که برنامه درسی مقاوم در برابر معلم می‌نامیدند، خاموش شده و مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. از این رهگذر صدا به عنصری کلیدی در پداگوژی انتقادی تبدیل می‌شود زیرا سبب می‌شود تا معلمان درک کنند که تمام گفتمانها دارای بستری تاریخی هستند و در قالب ابزارهای فرهنگی منتقل می‌شوند. صدا درحقیقت ((دستور زبان فرهنگی)) و ((دانش زمینه‌ای)) است که معلمان و دانشاموزان برای فهم و درک تجربه به کار می‌برند.

کرونا

خوش بین باشید تا پیروز شوید



گزارش

دشمن است. یعنی زمانی در یک تماس محدود چند سد عدد میکروب وارد بدن کسی می‌شود و نیروی دفاعی بدن (سیستم ایمنی) فرد با سرعت در جنگی کوچک بر دشمن غلبه می‌کند. اما زمانی فردی در یک محیط بسته مانند مترو یا بیمارستان یا رستوران بر اثر برخورد با بیمار یا بیمارستان در معرض هجوم چند میلیونی میکروب و یا ویروسی قرار می‌گیرد، لذا نبرد میان دشمن مهاجم با سربازان دفاعی بدن فرد (سیستم ایمنی) به جنگی سخت و بعضاً زمانبر تبدیل می‌شود. در این حالت است که بدن فرد مورد تهاجم قرار گرفته در حالت اضمحلال، شکست و یا نظایر آن قرار می‌گیرد و نیاز به نیروهای کمکی دارد. بلکه از همین روست که پزشکان می‌گویند باید مراقبتهایی را برای پیشگیری یا جنگ منجر به پیروزی بعمل آورند که علت عمده و اساسی آن است که فرد در معرض هجوم کمتری از میکروب یا ویروس مهاجم قرار گیرد تا سیستم ایمنی فرد شانس بیشتری در نبرد داشته باشد.

آنچه که به اختصار بیان شد درباره‌ی همه‌ی دشمنان اعم از ویروس، میکروب و باکتری صدق می‌کند که از جمله‌ی آنها بیماری جدید و ناشناخته‌ی کروناست.

همان گونه که منابع و مراجع پزشکی در کشورهای گوناگون و به طور کلی در سطح جهان مطرح کرده‌اند چون این ویروس (کووید ۱۹) چندان شناخته شده نیست لذا خیلی درباره‌ی آن، عوارض و شیوه‌های جنگیش نمی‌دانند. مثلاً الان چند روزی مشخص شده که برخلاف اکثر ویروسها این بیماری ظرف حتماً کمتر از یک ماه دوباره ممکن است فرد را مبتلا کند یا اینکه معلوم نیست اگر مادری به کرونا مبتلا شود روی جنینش اثر می‌گذارد و یا بی‌خطر می‌تواند بچه‌ی شیرخوارش را شیر بدهد.

اشیا و فضاها پرخطر

عادت باعث می‌شود که واقعیت‌هایی از چشمان انسان پنهان بماند و یا سهل انگارانه آدمی از آنها عبور کند. این وضعیت درباره‌ی کرونا نیز مصداق دارد و در شرایط بحرانی امروز باید بدان توجه داشت. برای نمونه در زیر به چند مورد پرخطر باید اشاره کرد:

* نان- در ایران مدتهاست که نان به عنوان چیزی پرخطر مطرح است چرا که پول (اسکناس یا سکه) از آلوده‌ترین اشیاء است و متأسفانه در نانواییهای ایران آن کسی که پول از مشتری می‌گیرد یا به آنها پول می‌دهد همان کسی است که نان به آنها می‌دهد (شاطر) و این در شرایطی چون اپیدمی

در طول تاریخ، جوامع انسانی با بیماریهای مختلفی دست به گریبان بوده است. این بیماریها انواع و اقسام مختلفی داشته است. بیماریهای عضلانی و استخوانی، بیماریهای قلبی، بیماریهای دستگاه گوارش و ... و سرانجام بیماریهای عفونی.

بیماریهای عفونی در ادوار مختلف در شکلهای متفاوت و گوناگون به انسان هجوم می‌آورده و گاه باعث کشتن هزاران هزار انسان از کودک و جوان و میانسال و پیر می‌شده است.

اما در فرایند حملات میکروبی، ویروسی و غیره به انسان حتی در سخت‌ترین و مهلک‌ترین شرایط همانند زمانی که بیماریهایی چون طاعون و وبا به جوامع خرد و بزرگ انسانی حمله می‌کرده، ضمن تلفات بسیار سنگینی که از خود بجای می‌گذارد که گاه باعث نابودی روستاها و شهرها و مهاجرت باقی مانده گروههای انسانی مورد حمله قرار گرفته می‌شده، تعدادی از مردمان که طبق برخی برآوردها تا پانزده درصد می‌رسیده در مقابل همه‌ی بیماریها مقاوم بوده و بلکه از همین رو نسل بشر در طول تاریخ حیاتش تداوم یافته است.

نکته قابل توجه آنکه براساس ضوابط حاکم از سوی آفریننده‌ی هستی موجودات زنده از انسان تا همه‌ی حیوانات از یک سیستم ایمنی برخوردارند و این سیستم در طول تاریخ حتی در آن زمانها که بشر هیچ اطلاعاتی از آثار مواد گیاهی و به طور کلی غذایی نداشته و هیچ کارخانه‌ی داروسازی و همانند آن وجود نداشته، انسان را در برابر میکروبها، ویروسها و باکتریها و غیره با شدت و ضعف محفوظ داشته است.

باید توجه داشت که امروز در دنیای پسا مدرن نیز همچنان این سیستم ایمنی است که وظیفه‌ی دفاع از بدن انسان را در برابر حملات میکروبی و ویروسی و غیره را بر عهده دارد و داروهای گوناگون از داروهای شیمیایی و گیاهان تقویت کننده چون ویتامین C تا داروهای چون آنتی‌بیوتیکها که نقشی کشنده در برابر میکروبهای باقی مانده و اثرگذار دارد، همگی در واقع نقششان مکمل و کمک کننده است و آن نیروی دفاعی که باید بدن را در برابر این دشمنان محافظت کند، سیستم ایمنی است. بلکه از همین روست که فارغ از رعایت برخی نکات بهداشتی یا عدم رعایت آن، برخی بدنی بسیار مقاوم در مقابل میکروبها و ویروسهای مهاجم دارند و حداکثر بدنشان در جنگی چند روزه بر دشمن فایق می‌آید.

یکی از نکات مهم در این نبرد اندازه (حجم) و قدرت



کرونا یعنی فاجعه و باید برای آن فکری کرد.

* خودپرداز بانکهها (ATM) - هر دستگاه ATM در روز محل استفاده صدها و بلکه هزاران مشتری است که عموماً با دسته‌های آلوده دکمه‌های آن را فشار می‌دهند و این یعنی فضایی پرخطر برای انتقال هر نوع ویروس و میکروبی و از جمله کرونا. استفاده از دستکش یکبار مصرف و ابزارهای دیگر در این زمینه کمک کننده است.

* اتوبوسها و متروها - فضاهای بسته‌ی کوچک چون اتوبوسها و واگنهای قطارها در زمره‌ی فضاهای پرخطر و آماده برای انتقال ویروس کروناست. در این فضاها ترجیح آن است که حتماً از ماسک استفاده شود، و حتی المقدور از دستکش به ویژه دستکشهای یکبار مصرف برای گرفتن دستگیره‌ها استفاده کرد.

* فضاهایی مانند بیمارستانها، پادگانها، دانشگاهها، اماکن زیارتی و ... در زمره‌ی مکانهای پرخطر اعلام شده‌اند و لذا در این مکانها احتیاطهای لازم باید بعمل آورد و یا وارد آنها نشد.

* دروغ - یکی از بزرگترین آسیب رسانها، دروغ است. چرا که اعتماد را فرو می‌ریزد و این فروریزی بسیار مخرب است. و در شرایط عکسش نیز بسیار آسیب‌رسان است.

شما تصور کنید که یک پزشک، یک استاندار یا یک دولتمرد به دروغ بگوید که ما بیماری در میان خود نداریم یا ویروس کرونا یک داستان است. در نتیجه تعداد زیادی از روی اعتماد یا از روی اجبار و شرایط زندگی این گفته را می‌پذیرند و لذا مراقبتهای لازم را بعمل نمی‌آورند. نتیجه آنکه بیماری به سرعت و شدت میان مردم رواج می‌یابد و تعدادی می‌میرند و آنها هم که زنده می‌مانند عامل انتقال به دیگران می‌شوند.

نسخه‌ی دیگرش فروریزی اعتماد است. هنگامی که رئیس یک بیمارستان، یا یک وزیر و یا هر صاحب مقام دیگری مطلبی را راجع به یک بیماری بگوید. مثلاً مقام یاد شده تذکراتی درباره‌ی مراقبتهای پزشکی یا اجتماعی مربوطه بدهد. چون اکثریت مردم آن را دروغ فرض می‌کنند، لذا تردید بدان

می‌نگرند. تردیدها تاثیرات ذهنی مخرب داشته و می‌تواند آثار منفی بر روی سیستم ایمنی فرد بگذارد. این آثار منفی در کنار آثار دیگری است که بر روی جسم افراد خود را نشان می‌دهد.

پیشگیری

با همه‌ی بی‌اطلاعیها و نداشتن آگاهی درباره این ویروس یک سری اقدامات پیشگیرانه می‌تواند اثرگذار باشد که در زیر به برخی از آنها به اختصار اشاره می‌شود.

* شستن دستها با صابون مایع به طور کامل و با دقت. این کار باعث می‌شود جلوی هجوم سربازان بیشتر دشمن را بگیرد و در نتیجه در صورت ورود چند سرباز این دشمن بسیار بد و بی‌رحم، سربازان دفاعی بدن بر آنها فایق آیند و پیروز از معرکه بدر آیند.

* نداشتن تماس فیزیکی و یا بهتر بدنی با دیگران؛ مثلاً دست ندادن و نبوسیدن دیگران. بدین ترتیب شانس و احتمال انتقال ویروس حتا در شرایطی که طرف مقابل بیمار نباشد و فقط ناقل باشد، کاهش و حتا به صفر می‌رسد.

* قرار نگرفتن در فضاهای بسته با تعداد قابل توجه اشخاص مختلف. بلکه از همین روست که توصیه می‌شود، دانشگاهها، مدارس و همانند آنها تعطیل باشند تا ارتباطات کمی در آن مجموعه‌ها شکل بگیرد.

* زدن ماسک به ویژه زمانی که فرد مبتلا به علائم سرماخوردگی است برای جلوگیری از انتقال احتمالی بیماری به دیگران یک ضرورت است. البته زدن ماسک در فضاهای کوچک و بسته چون اتوبوس و مترو و نیز برای همه لازم بنظر می‌رسد.

* نوشیدن هر چه بیشتر آب و خوردن مواد غذایی که می‌تواند به تقویت سیستم ایمنی کمک کند نیز می‌تواند یاری دهنده باشد.

* اما یکی از مهمترین ابزارها چه در برابر این بیماری و چه در برابر بیماریهای دیگر، داشتن نگاه مثبت و خوشبینانه به زندگی، غلبه بر بیماری و پیروزی بر مشکلات است. امروزه این امر ثابت شده که داشتن نگاه مثبت باعث تقویت سیستم ایمنی و در نتیجه بالا رفتن شانس پیروزی بر کرونا و بدتر از آن است. خوشبین باشید تا پیروز شوید.

سیستم ایمنی انسان را در برابر ویروسها و میکروبها نکه می‌دارد



کرونا بازار



جهانی، نرخ دلار در صرافی ملی ۵۰ تومان افت کرد و قیمت دلار به ۱۴ هزار و ۷۰۰ تومان رسید اما قیمت یورو در رقم ۱۵ هزار و ۸۰۰ تومان ماندگار شد.

اما مجدداً به دلایل مختلف به ویژه شرایط پیش آمده روز سه‌شنبه بهای ارز ۱۰۰ تومان افزایش یافت، به طوری که بهای دلار به ۱۴ هزار و ۸۰۰ تومان و قیمت یورو نیز به رقم ۱۵ هزار و ۹۰۰ تومان رسید.

این روند افزایشی همچنان تداوم یافت. روز چهارشنبه نرخ ارز در صرافی ملی افزایش ۸۰۰ تومانی را تجربه کرد و قیمت دلار هم به رقم ۱۵ هزار و ۶۰۰ تومان و قیمت یورو به رقم ۱۶ هزار و ۷۰۰ تومان رسید که در ادامه روند معاملات بهای یورو بار دیگر ۲۰۰ تومان افزایش یافت و به رقم ۱۶ هزار و ۹۰۰ تومان ارتقا پیدا کرد.

روز پنج‌شنبه بهای دلار در صرافی ملی باز هم رشدی ۱۰۰ تومانی را تجربه کرد و به رقم ۱۵ هزار و ۷۰۰ تومان رسید، قیمت یورو نیز با ۵۰ تومان افزایش به رقم ۱۶ هزار و ۹۵۰ تومان رسید.

این افزایش روز به روز نرخ ارز در حالی صورت گرفت که شش کشور همسایه‌ی ایران یعنی عراق، ترکیه، ارمنستان، ترکمنستان، افغانستان (بعدا در آن تجدید نظر شد) و پاکستان مرزهای زمینی و هوایی خود را به روی مسافران ایرانی بستند. این محدودیت از سوی کشورهای دیگر چون امارات متحده عربی، روسیه، گرجستان و ... نیز صورت پذیرفت.

در هفته‌ی نخست اسفندماه که مشکلات بازندگی، گسترش کرونا در کشور، و بی‌کفایتیها و مدیریتهای ضعیف برخی مسؤولان روز به روز خود را بیشتر نشان

در هفته‌های پشت سر همزمان با اوج و گسترش اخبار مربوط به ویروس کرونا و اپیدمی در سطح ملی و بین‌المللی، بازارهای مختلف از جمله بازارهای طلا و ارز به شدت دچار دگرگونی شده و نمودهای شگفت‌انگیزی از خود نشان دادند.

هر چند می‌توان گفت که گسترش کرونا در کشور ظرف هفته‌های پشت سر ارتباطی با بازارهای طلا و ارز نداشته ولی قیمتها در بازارهای طلا و ارز در واقع به شکل اپیدمی کرونا در کشور به گونه‌ای جهشی خود را نشان داد به گونه‌ای که بسیاری از شاخصهای اقتصادی را تحت تأثیر خود قرار داد.

قیمت دلار در صرافی‌های بانک مرکزی که در هفته‌ی اول اسفند به ۱۴ هزار و ۲۰۰ تومان رسیده بود، در هفته‌ی دوم روند افزایشی خود را ادامه داد و به ۱۵ هزار و ۸۰۰ تومان رسید.

روز شنبه دوم اسفند قیمت ارز تحت تأثیر قرار گرفتن ایران در لیست سیاه FATF نسبت به روز پنج‌شنبه گذشته‌اش ۲۸۰ تومان افزایش یافت و قیمت دلار به رقم ۱۴ هزار و ۴۸۰ تومان و بهای یورو به ۱۵ هزار و ۵۸۰ تومان رسید که با ادامه روند فعالیت بازارها نرخ دلار برای دومین بار صعود کرد و با ۵۰ تومان افزایش به رقم ۱۴ هزار و ۵۳۰ تومان رسید.

این روند افزایشی همچنان ادامه یافت به طوری که روز یکشنبه با وجود تعطیلی بازارهای جهانی، نرخ ارز ۲۲۰ تومان افزایش یافت و قیمت دلار به رقم ۱۴ هزار و ۷۵۰ تومان و حتی ۱۴ هزار و ۸۰۰ تومان رسید و بهای یورو به ۱۵ هزار و ۸۰۰ تومان دست یافت.

البته بعد از آن و در سومین هفته و با آغاز به کار بازارهای



گزارش

ت.ب.سلطانی



می‌داد، قیمت طلا و سکه در بازار کاهش یافت.

بازار جهانی، کاهش یافت. ناگفته پیداست که ماجرای کرونا و عدم مدیریت صحیح این امر، بحرانی را در کشور رقم زده که همه‌ی حوزه‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

در پایان باید تأکید کرد که یکی از دلایل عمده افزایش قیمت کالاهایی چون طلا، خودرو، ارز و همانند آنها شرایط بازار است. از آنجا که به دلایل مختلف از جمله برخی بی‌کفایتیها و ناکارآمدیها روز به روز از ارزش پول ملی کاسته می‌شود، حداقل عده‌ای از مردم می‌کوشند ارزش پولی که بابت زحمتهای و خستگیها به دست آورده‌اند، حفظ کنند و لذا برای نگهداشت این ارزش به سمت خرید ارز، طلا، خودرو، زمین و غیره گام برمی‌دارند.

برابر اعلام نایب رییس اتحادیه طلا و جواهر تهران در طول هفته‌ی یاد شده و از ابتدای آن قیمت اونس جهانی طلا صعودی و در محدوده‌ی ۱۶۴۰ تا ۱۶۸۰ دلار در نوسان بود که علت آن کاهش رشد اقتصاد جهانی و افزایش تقاضا برای خرید طلا در بازارهای جهانی بود. اما در روزهای پایانی هفته تا حدودی اوضاع دگرگون شده و قیمت اونس جهانی طلا رو به کاهش رفت.

محمد کشتی‌آرای در گفتگویی با ایسنا اضافه کرد که همین موضوع سبب بالا رفتن قیمت سکه و طلای داخلی در طول هفته شده بود. وی در ادامه گفت: در اوایل هفته قیمت سکه تا شش میلیون و یکصد و پنجاه هزار تومان افزایش پیدا کرد اما در روزهای پایانی هفته یعنی چهارشنبه و پنجشنبه مجدداً قیمتها به سمت کاهشی شدن پیش رفت و قیمت سکه روند کاهشی پیدا کرد. اما این کاهش به معنای بازگشت به قیمتهای پیشین نبود و همچنان بهای طلا حتماً نسبت به یک ماه پیش افزایش نشان می‌دهد.

صعود نرخ دلار در بازار

در مورد سایر کالاها به ویژه محصولات بهداشتی چون شوینده‌ها، تمیزکننده‌ها، دستکش، شامپو و صابون و البته بقیه کالاها، بازار تکانی شدید خورده و کرونا تأثیری جدی بر روی آنها گذارده است. به گونه‌ای که قیمت برخی از اقلام یاد شده با جهشی شگفت‌انگیز چند برابر شده است. از آن بدتر آنکه به دلیل نگاه غیر انسانی بعضی افراد، برخی اقلام دیگر قابل دسترسی در بازار نیست و احتکار کنندگان به دنبال قیمت‌های چندین برابری، کالاهای اشاره شده را مخفی کرده‌اند و از دسترس مردم دور نگاه داشته‌اند. به عبارت دیگر کرونا به عنوان یک ویروس ناشناخته و کشنده نزد برخی دستاورد تلقی شده و در شرایط بحرانی امروز با نگاهی سودجویانه و البته مخرب به ویروس کوید ۱۹ نگاه می‌کنند.

در هفته‌های پشت سر به رغم اندکی کاهش در بازار مسکن، اتفاق خاصی در بازار مسکن رخ نداد و دلیل آنهم بالا رفتن یکباره و جهشی ملک از سال گذشته بود به طوری که قیمت آپارتمان در تهران از متوسط متری حدود ۶ میلیون تومان به حدود ۱۴/۵ میلیون تومان رسید.

به دلایل مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، نگرانیها درباره‌ی وضعیت بازار بیشتر و بیشتر شد و لذا در شرایطی این چنینی تمایل به خرید سکه و ارز افزایش یافت که حداقل یکی از دلایل افزایش قیمت این دو در هفته‌های پشت سر بود.

در کنار اینها بازار بورس سقوط کرده و بسیاری از کسب و کارها از جمله رستورانها، کافی شاپها و ... عملاً تعطیل و یا در آستانه‌ی تعطیلی قرار گرفته‌اند. خلاصه آنکه در شرایط امروز در کنار ناکارآمدیها، فساد گسترده، تحریمها و همانند آنها، دشمن جدیدی به نام کرونا هم در جبهه‌ی دشمن قرار گرفته و علیه اقتصاد کشور وارد نبرد گردیده‌است.

اما در نخستین روز از هفته‌ی جدید (دهم اسفند) به دلایل مختلف از جمله محدودیت مسافرت ایرانیان به دیگر کشورها به دلیل انتشار گسترده ویروس کرونا، بهای ارز در بازار کاهش یافت. همزمان بهای طلا نیز تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله کاهش قیمت آن در

نظام قیمت گذاری دولتی

مانع رشد و توسعه کسب و کارها و رفاه جامعه



مقاله



بهزاد مشهدی کردی

پژوهشگر و عضو هیات علمی دانشگاه

از اوایل ربع پایانی قرن بیستم اما با تشدید نارسایی‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از سیاست‌های مداخله جویانه دولت در اقتصاد از جمله سیاست کنترل قیمت‌ها تردیدهایی درباره نقش دولت پدید آمد. فشارهای مالی ناشی از سنگینی بار خدمات اجتماعی که دولت‌ها موظف به تامین آن شده بودند و هم چنین آشکار شدن عواقب ناشی از دخالت دولت در اقتصاد، دولت‌مدان و سیاست‌گزاران را به این نتیجه رساند که حضور و دخالت دولت در اقتصاد را کاهش دهند و شاخص‌های عرضه خدمات را با توجه به معیارهای مالی و تکنولوژی بهبود بخشند و تنظیم معادلات اقتصادی را به سازوکارهای بازار واگذار کنند. حرکت‌های جدیدی برای تجدید ساختار مدیریت اقتصاد و افزایش کارایی، رهایی از تصدی‌گری و تحول در نگرش به اقتصاد آغاز شد تا دولت را به طرف دخالت محدودتر در اقتصاد هدایت نماید.

در مسیر این حرکت اشاره به تجربه چند کشور در زمینه مصائب سیاست دخالت جویانه دولت در بازار برای کنترل و تثبیت قیمت‌ها و در مقابل دستاوردهای سیاست آزادسازی قیمت‌ها می‌تواند آموزنده باشد. در آلمان دولت حتی قبل از ربع پایانی قرن بیستم یعنی در سال ۱۹۶۸ شکست سیاست تثبیت و کنترل قیمت‌ها را که به گسترش رکود اقتصادی و ورشکستگی کسب و کارها و کاهش رشد اقتصادی و بیکاری صدها هزار نفر از کارگران صنعتی منجر شده بود، پذیرفت. و با اتخاذ سیاست آزادسازی قیمت‌ها و واگذاری تعیین قیمت کالاها و خدمات به سازوکار بازار و به موازات آن برقراری برنامه‌های حمایتی مستقیم و هدفمند برای گروه‌های کم درآمد موفق شد اقتصاد آلمان را از شرایط نامطلوب نجات دهد.

در انگلستان دولت برای مقابله با مشکلات انباشته عدم تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی و شوک نفتی ۱۹۷۳ اقدام به تاسیس اداره مستقلی تحت عنوان «کمسیون قیمت» و اتخاذ سیاست کنترل قیمت‌ها نمود که این سیاست به دلیل کاهش در تشکیل سرمایه ثابت و سرمایه‌گذاری خارجی و در معرض توقف فعالیت و ورشکستگی قرار گرفتن اغلب صنایع با شکست مواجه شد. پس از این نتایج نامطلوب ناشی از قیمت‌گذاری دستوری بود که دولت در سال ۱۹۸۰ لایحه جدیدی تحت عنوان «قانون رقابت» به تصویب مجلس رساند و کلیه محدودیت‌های مربوط به تعیین و تغییر قیمت‌ها را از میان برداشت و اقتصاد را در مسیر با ثبات و رو به رشدی هدایت نمود.

فرانسه در سال ۱۹۸۲ با اقداماتی که در زمینه تحمیل سیاست‌های تثبیت و کنترل قیمت‌ها به عمل آورده بود با مشکلات اقتصادی اجتماعی فراوانی چون تشدید بیکاری، کاهش رشد اقتصادی و فرار سرمایه مواجه شد و لذا به ناچار سیاست تثبیت قیمت‌ها را کنار گذاشت.

بحث دولت از زمان ظهور اولین تمدن بشری در مصر و سومر قدیم مطرح بوده و قدمت آن دست کم به بیش از شش هزار سال می‌رسد. آنگونه که "ویل دورانت" نوشته است؛ دولت نتیجه فرایند تکاملی تدریجی است که برای اداره جامعه و برقراری نظم و امنیت کمال ضرورت را دارد و پیدایش آن مستلزم تغییراتی بوده که در اصول نظامات اجتماعی رخ کند. از آنگاه که میان قبایل و عشیره‌ها ارتباط بازرگانی برقرار می‌شود، دیگر پیوستگی جماعت‌ها نمی‌تواند بر بنیان خویشاوندی استوار باشد، بلکه وجود یک سلطه و اقتدار خارجی را ایجاب می‌کند که روابط میان آنها را انتظام بخشد و شبکه اقتصادی را - که سبب پیوستگی آنها به یکدیگر است - فشرده‌تر سازد.

بررسی تاریخی راجع به سیر تکاملی نقش و وظایف دولت حکایت از افت و خیزهای بسیاری دارد. جوامع بشری در طول تاریخ شاهد آزادی‌ها و محدودیت‌های متعددی چه در زمینه‌های سیاسی و چه در عرصه‌های تجاری و اقتصادی از سوی دولت‌ها بوده است. به طور کلی می‌توان تصور کرد که همیشه میل و گرایش به گسترش حیطه نفوذ و اقتدار دولت‌ها وجود داشته و در صورت فراهم بودن بستر و شرایط، این خواست و علاقه جنبه عملی و اجرایی نیز پیدا کرده است. اگر از گذشته‌های دور بگذریم، سیر حرکت تکاملی قدرت طلبی دولت در کشورهای توسعه یافته غربی از قرن شانزدهم (عصر نوزایی) به این سو است. رویدادهای ناشی از تغییرات اجتماعی-اقتصادی که منجر به ظهور طبقات جدیدی گردید، منافع مادی و درآمدهای دولت را که در ابتدا منشا آن از اجتماعات محدود فئودال بود به گروه‌های پیشه‌ور و بازرگان شهری انتقال داد. تلاش‌های این طبقات و گروه‌ها در توسعه شهر نشینی، گسترش مبادلات و ارتباطات و امنیت راه‌ها موجب افزایش روز افزون نقش و اقتدار دولت در کشورها شد.

از اواخر قرن نوزدهم پس از وقوع انقلابات کارگری مفهوم دولت در کشورهای صنعتی با مقوله‌هایی چون رفاه اجتماعی و چگونگی باز توزیع درآمد صورت جدیدی به خود گرفت. در قرن بیستم بحران سال‌های ۱۹۲۹-۳۳ در دنیای سرمایه‌داری و تسلط افکار مارکسیستی بر بخش دیگری از جهان، حضور و دخالت بیشتر دولت در حوزه اقتصاد را توجیه کرد. جنگ‌های جهانی اول و دوم و ضرورت بازسازی ویرانی‌ها تغییرات عمیقی در مفهوم دولت و ساختار روابط اجتماعی ایجاد کرد، به گونه‌ای که ترمیم شکاف‌های طبقاتی، تامین رفاه نسبی، حمایت از گروه‌های محروم در برابر فشارهای مالی و اقتصادی، اتخاذ سیاست‌ها و اعمال حمایت‌هایی در مسیر نیل به رشد کسب و کارها و بلوغ و کارآمدی بنگاه‌های اقتصادی در دستیابی به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های رقابتی، ماموریت‌های جدیدی را بر دوش دولت گذاشت.



و به موازات آن با خصوصی سازی طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی که تحت تصدی دولت قرار داشت، توانست موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد. روسیه با الگوبرداری از تجربه کشورهای اروپای شرقی در آزاد سازی قیمت‌ها، سیستم قیمت گذاری کالاها و خدمات را از اواسط سال ۱۹۹۲ از حالت دستوری به سازوکار بازار تغییر داد. به رغم آنکه سیاست آزاد سازی قیمت‌ها موجب افزایش نرخ تورم و کاهش ارزش روبل در یک مقطع زمانی شد اما این سیستم قیمت‌گذاری مبتنی بر سازوکار بازار باعث شد که روسیه به سمت اقتصاد بازار حرکت کند و بحران ناشی از کمبود کالاها را که از نظام برنامه‌ریزی متمرکز اقتصادی در زمان اتحاد جماهیر شوروی به جا مانده بود، حل کند. و به زعم اقتصاددانان توسعه اصلاحات بازار، این سیاست منجر به نجات کشور از گرسنگی و جنگ داخلی گردید.

تجربه کشور چین نشان می‌دهد که براساس برنامه‌ریزی مرکزی که فعالان اقتصادی وظیفه داشتند با قیمتی که از سوی دولت تعیین می‌شد مقدار مشخصی از کالاها و خدمات را تولید کنند، با اجرای سیاست آزادسازی قیمت‌ها تا چه حد کارایی اقتصادی افزایش یافته است. برای مثال، تولید گندم که در سال ۱۹۷۸ حدود ۳۰۰ میلیون تن بود در اثر اجرای این سیاست با رشد بیش از ۳۰ درصدی به حدود ۴۰۰ میلیون تن در سال ۱۹۸۸ افزایش یافت. همچنین تولید زغال سنگ طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ از ۲۹۳ به ۶۲۸ میلیون تن رسید. به علاوه، تعیین قیمت‌ها توسط سازوکار بازار همراه با اصلاحات اقتصادی موافق بازار موجب شد که اشتغال غیردولتی از حدود ۵۰ میلیون نفر در سال ۱۹۷۸ به حدود ۲۰۵ میلیون نفر در سال ۱۹۹۴ افزایش یابد.

بررسی‌ها همچنین نشان می‌دهد که تجربه کشور لهستان در انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد بازار و حذف انواع دخالت و نظارت‌های قیمتی و تعیین قیمت‌ها توسط سازوکار بازار از سال ۱۹۸۹ به این سو اگر چه در ابتدا با چالش‌هایی رو به رو بوده اما با موفقیت‌های قابل توجهی همراه بوده است. به گونه‌ای که با ایجاد شرایط مطلوب برای رقابت کسب و کارها و پیشرفت بنگاه‌ها باعث حصول یک نرخ تورم کم دامنه توام با رشد اقتصادی پایدار پس از گذشت دو دهه از اصلاحات اقتصادی و قیمتی شده است.

در ایران اما به دلایل متعدد از جمله رشد اندازه دولت و گسترش حیطه نفوذ آن در اقتصاد در یکصد سال گذشته، فهم غلط مبانی علمی و تصور نادرست از شرایط اقتصادی کشور، نگرستن به تورم از منظر گران فروشی و وجود رویکرد خرد در مبارزه با افزایش قیمت‌ها به جای کلان نگری، افزایش نرخ تورم دهه ۱۳۵۰، وقوع انقلاب و به دنبال آن شرایط جنگ و تقویت نظام سهمیه بندی و توزیع کوپنی، اهداف به ظاهر خیرخواهانه در جهت حمایت از مصرف کنندگان و اقشار آسیب‌پذیر در مبارزه با تورم، اعمال تحریم در مقاطع مختلف زمانی، جهش‌های ارزی و شیوع بیماری هلندی موجب گردید که

سیستم قیمت‌گذاری نه تنها با روند جهانی همسو نباشد بلکه همواره تلاش در جهت مداخلات دولت در همه امور اقتصاد و بازار با شدت بسیار بالایی ادامه پیدا کند و سیاست‌گزاران و دولتمردان بدون توجه به ریشه‌های اصلی تورم درصدد کنترل سطح عمومی قیمت‌ها با مکانیزم قیمت‌گذاری باشند.

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که سیستم قیمت‌گذاری دولتی در عمل پاشنه آشیل بستر مساعد کسب و کارها بوده به نحوی که انگیزه شکل‌گیری رقابت و تکمیل گام‌های توسعه و نیل به رشد و بلوغ و کارآمدی را از کسب و کارها سلب نموده است. بدون تردید فقدان شرایط مطلوب برای رقابت مانع توسعه کسب و کارها و پیشرفت بنگاه‌ها می‌شود. نظام قیمت‌گذاری دولتی همچنین با اختلالاتی که در سازوکار بازار ایجاد می‌کند مانع عملکرد مناسب کارکردهای توزیعی، تخصیصی و علامت دهی به عاملان اقتصادی می‌شود و بر هم خوردن تعادل عمومی در اقتصاد را به دنبال داشته و در نهایت به کاهش کارایی اقتصادی می‌انجامد به طوری که از یک سو منابع و امکانات اقتصادی هدر می‌رود و از سوی دیگر از منابع جامعه به بهترین وجه ممکن استفاده به عمل نمی‌آید. قیمت‌گذاری دولتی برای کالاها به مثابه تعیین سقف قیمتی است که در نتیجه آن، کالاهای قیمت‌گذاری شده به صورت نسبی ارزان شده و تقاضای این کالاها افزایش می‌یابد. این افزایش تقاضا در حالی اتفاق می‌افتد که انگیزه تولیدکنندگان به انجام سرمایه‌گذاری و تولید به دلیل کاهش قیمت‌های نسبی از دست می‌رود. این امر سبب کاهش سهم کالاهای تولید داخل در بازار محصول در پاسخ به افزایش تقاضا می‌شود که تشکیل صف و بازار سیاه و افزایش قیمت از نتایج آن است. البته تحت شرایطی ممکن است به دلیل کاهش قیمت‌های نسبی کالاهای قیمت‌گذاری شده و ارزان‌تر شدن آنها نسبت به کالاهای مشابه تولید خارج انگیزه برای صادرات آنها بوجود آید. در این صورت کاهش سهم این کالاها در بازار محصول تشدید می‌شود و باعث بروز مشکلاتی چون رانت و دلالی و مسئله اخلاق‌گریزی می‌شود و در مواردی نیز این امر به ابزار تامین منافع شخصی کارگزاران اجرایی و گسترش فساد منجر می‌شود. این موضوع به خصوص در شرایط تورم افسار گسیخته و نوسانات بالای ارزی تشدید می‌شود.

بررسی‌ها و شواهد نشان می‌دهد که قیمت‌گذاری دولتی کالاها و خدمات در اقتصاد ایران پدیده‌ای است که سابقه تاریخی دارد و قدمت آن نیز به بیش از هشت دهه می‌رسد. و اساسی‌ترین علت آن هم به رویکرد خردگرایانه سیاست‌گزاران و دولتمردان در مبارزه با تورم در راستای حمایت از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر مربوط می‌شود. وقتی افزایش قیمت‌ها به عنوان عملکرد اقتصاد در سطح خرد و نه کلان معرفی می‌شود، راه‌حل آن نیز به سطح اقتصاد خرد تقلیل می‌یابد. در واقع، دولتمردان و سیاست‌مداران به تورم صرفاً از دید گران فروشی می‌نگرند. و تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالاها و خدمات را به عنوان مقصران

اصلی هرگونه افزایش قیمتی مورد اتهام قرار داده و به افکار عمومی معرفی می‌شوند که باید به هر طریق ممکن حتی اعمال زور با آنان مقابله شود، به جای آنکه با تغییر رویکرد در سطح کلان به کنترل و کاهش تورم مبادرت کنند.

به این اعتبار و به رغم آنکه اکثر کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و در حال توسعه در مهار تورم با استفاده از ابزارهای متعارف اقتصاد کلان موفق بوده‌اند، کشور ما در مقابله با تورم از سال ۱۳۲۰ به این سو سیاست‌هایی چون-جیره بندی- کنترل و تثبیت قیمت‌ها-مبارزه با گرانی‌فروشی و احتکار با ضبط کالا و پرداخت جرایم و مجازات‌های زندان و حتی تنبیهات بدنی- کاهش و ایجاد محدودیت در اعطای اعتبارات بانکی- ایجاد و گسترش نهادها و سازمان‌های مبارزه با تورم مانند اتاق اصناف، مرکز بررسی قیمت‌ها، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، شورای عالی قیمت‌ها، سازمان بازرسی و نظارت قیمت‌ها، سازمان تعزیرات حکومتی- توصیه‌های ارشادی و اخلاقی مبارزه با گرانی‌فروشی- افزایش عرضه از طریق واردات- پرداخت یارانه به تولیدکنندگان- قیمت‌گذاری کالاها و خدمات با توسل به دادگاه‌های صنفی و جرایم نقدی- تثبیت قیمت‌ها با نظارت بر نرخ‌های اعلام شده- اجرای طرح تعزیرات حکومتی و حق تعزیر محکومان و گران فروشان- کنترل مبادی تولید و توزیع- ایجاد و گسترش فروشگاه‌های تعاونی، زنجیره‌ای و نمایشگاه‌های عرضه مستقیم کالا- و تشکیل ستاد ویژه نظارت بر قیمت‌ها و تنظیم بازار- را اعمال نموده است که تجربه نشان داده هیچ کدام از آنها در کنترل و کاهش قیمت‌ها و جلوگیری از فشارهای تورمی ثمری نداشته است. در مقابل، اتخاذ و اعمال این سیاست‌ها و رویه‌ها در مواجهه با تورم علاوه بر اتلاف وقت و انرژی و منابع و تحمیل هزینه به اقتصاد ملی، بخش‌ها و عواملان اقتصادی خدمتگزار را که نقشی در ایجاد شرایط بحرانی و وقوع تورم نداشته‌اند و حتی در چنین شرایطی در کمترین توان خود قرار دارند بیش از پیش تضعیف نموده و علاوه بر آن ناکارایی در تخصیص منابع به وجود آورده است.

باید توجه داشت که پدیده تورم که با شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی اندازه‌گیری می‌شود چاره اقتصادی دارد و سیاست‌های مداخله‌جویانه دولت یا توصیه‌ها و درس‌های اخلاقی برای مقابله با تورم راه به جایی نمی‌برد، بلکه رفع آن را باید در چهارچوب شیوه‌های علمی و رفتار و ابزارهای اقتصاد کلان جست و جو کرد. در این راستا اگر بخواهیم میزان توفیق علم اقتصاد کلان را که حدود ۹ دهه از عمر آن می‌گذرد در حوزه سه متغیر کلان رشد اقتصادی، بیکاری و تورم ارزیابی کنیم، بدون تردید کاهش و کنترل تورم در صدر توفیقات اقتصاد کلان قرار دارد بطوریکه هم به لحاظ نظری و هم از جنبه عملی تورم جزء مسایل حل شده است. حتی از اواسط دهه ۸۰ قرن بیستم به این سو دامنه بحث‌های نظری بسیار به هم نزدیک شده و تقریباً همه کسانی که در حوزه اقتصاد کلان به موضوع تورم می‌پردازند در این نکته اتفاق نظر

دارند که تاثیر رشد حجم پول در بلند مدت به طور کامل در تورم منعکس می‌شود.

بنابراین، با توجه به تئوری‌های اقتصاد کلان تورم متغیری است که نه از عملکرد اقتصاد در سطح خرد بلکه صرفاً به واسطه بروز عدم تعادل در سطح اقتصاد کلان به وجود می‌آید. از این منظر، کشوری داریم با سازمان اداری بزرگ که دستگاه‌های اصلی هزینه‌بر به موازات هم فعالیت می‌کنند. اندازه بزرگ ماشین دولت که به شکل غیرقابل تحمیلی بر اقتصاد کشور سایه افکنده است منجر به افزایش مخارج دولت می‌شود. کارکرد دولت در ارتباط با اقتصاد جنبه سیاسی دارد بطوریکه امتیازاتی که دولت به مردم می‌دهد (برای مثال اعطای یارانه‌های غیرهدفمند) بار مالی دولت را افزایش می‌دهد. فقدان نظام سنجیده برای توزیع منابع در تنظیم بودجه و عدم تقید و پایبندی دولت به رعایت انضباط مالی و نیز کاهش انگیزه و نبود یک نظام هدفمند در مصرف بهینه منابع توأم با رشد فساد در دستگاه‌ها و مسئولان دولتی از یک سو و کسش ناپذیری سیستم مالیاتی و متزلزل بودن دیگر درآمدهای دولت از سوی دیگر باعث کسری بودجه دائمی می‌شود. شکاف منابع و مصارف دولت در نهایت به صورت مستقیم و غیرمستقیم به سیستم بانکی کشور منتقل می‌شود و رشد نقدینگی و افزایش تقاضای اقتصاد را به دنبال دارد. هم چنین به علت دولتی بودن اقتصاد، بانک‌ها دستوری عمل می‌کنند و تکالیف خاصی را می‌بایستی انجام دهند (برای مثال اعطای اعتبارات تکلیفی برای خرید تضمینی محصولات کشاورزی) و نیز به خاطر سهم بالای تسهیلات غیرجاری و مطالبات معوق از بخش‌های دولتی و خصوصی و دیگر مشکلات ساختاری که ناترازی منابع و مصارف آنها را تشدید می‌کنند از طریق اضافه برداشت از بانک مرکزی و انتشار پول جدید بر رشد پایه پولی و شتاب نقدینگی و تقاضای کل اقتصاد می‌افزایند. در طرف عرضه نیز اقتصاد ایران که با محدودیت‌ها و مشکلات ساختاری مواجه است تنگنمایی در بخش‌های مختلف اقتصاد ایجاد می‌کنند که از همه ظرفیت‌های بالقوه استفاده لازم و کافی به عمل نیاید و لذا تولید در سطحی پایین‌تر از اشتغال کامل محدود گردد. برای مثال، بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان و نااطمینانی نسبت به آینده و عدم امکان پیش بینی و مدیریت ریسک فعالیت اقتصادی و نیز نامساعد بودن فضای کسب و کار که از مشکلات عمده فعالیت‌های اقتصادی در بخش‌های مختلف است، تصمیم‌گیری در رابطه با وضعیت آینده را دشوار می‌سازد بطوریکه حتی ارزشمندترین فرصت‌های کارآفرینی و سرمایه‌گذاری ممکن است از دست برود. به علت اینکه بازارهای مالی توسعه نیافته و ناکارآمد است و سهم بازار سرمایه پایین و عمدتاً تامین مالی در اقتصاد بانک محور است و از سویی بانک‌ها توانایی تجهیز منابع با نرخ بهره مناسب را ندارند، این نظام مالی به عنوان تهدید و مانعی در مسیر سرمایه‌گذاری و تولید عمل می‌کند. به خاطر دولتی و انحصاری بودن صنایع و درون‌گرایی و شکل نگرفتن ظرفیت‌ها و قابلیت‌های رقابتی در آن و



نیز فرسودگی تجهیزات و ماشین‌آلات و عقب ماندن از تکنولوژی روز دنیا و حمایت‌های غیر هدفمندی که از آنها صورت می‌گیرد، هزینه‌های تولید بالا بوده و مقیاس تولید پایین‌تر از ظرفیت بهینه را دنبال می‌نمایند. به دلیل ساختار اقتصاد رانتی و فساد نهادینه شده ناشی از مداخلات گسترده و مخرب دولت و انباشتگی قوانین و مقررات و در عین حال فقدان شفافیت و بی‌کفایتی محیط فعالیت کارگزاران دولتی که سبب تغییر هدف رقابت از تولید به سمت کسب رانت می‌شود، موجب می‌گردند که انگیزه‌های سودآوری به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی به سمت فعالیت‌های رانت‌جویانه هدایت شود و شکاف بین تولید ملی بالقوه و واقعی تشدید گردد. با وجود این ویژگی‌های نامطلوب در طرف تقاضا و عرضه اقتصاد ایران (که در اینجا به اختصار به آن پرداخته شده است) و در واقع عدم توازن مزمین میان نیروهای عرضه و تقاضا که به تورم منجر می‌شود، مسئولان بسیار علاقه‌مندند که نرخ تورم را نه با ابزارهای متعارف اقتصاد کلان بلکه با آن همه کنترل‌های غلاظ و شداد کاهش دهند که البته آنگونه که آمار و ارقام نشان می‌دهد، میانگین نرخ تورم طی سال‌های (۱۳۹۷-۱۳۱۵) بیش از ۱۵ درصد بوده و تمایلی به کاهش نشان نمی‌دهد.

با این اوصاف به نظر می‌رسد که تجربه جوامع بشری به ویژه در طول دوران مدرن یعنی از بیش از دو قرن پیش به این سو باید به ما آموخته باشد که به جای نفی و حذف سیستم قیمت‌گذاری مبتنی بر سازوکار بازار که البته ناممکن است به دنبال کنار آمدن با آن باشیم و کنار آمدن از جمله به معنای سیاست‌گذاری برای همراستا سازی کارکرد نظام قیمت‌های بازار با منافع اجتماعی است. کم‌توجهی به قیمت‌گذاری مبتنی بر بازاری در شرایط بسیار سخت و بحرانی که ممکن است محدود کنترل‌هایی برای مدت محدود به دلیل ملاحظات اجتماعی و سیاسی اجتناب ناپذیر شود، می‌تواند هزینه بلندمدت سنگینی بر شالوده‌های توسعه‌ای اقتصاد خرد و روش‌های عملیاتی و استراتژی‌های بنگاه‌ها که به تعبیر "مایکل پورتر" برای سطح و نرخ رشد بهره‌وری و توان رقابت‌پذیری و شکوفایی صنعتی و اقتصادی دارای اهمیت محوری هستند تحمیل نماید. بنابراین استراتژی ارجح آن است که دولت از حیثه قیمت‌گذاری کالاهای بخش خصوصی خارج شود و تعیین قیمت کالاهای و خدمات توسط سازوکار بازار تداوم یابد و از فرصت‌هایی که در بهبود تخصیص منابع ایجاد می‌شود، استفاده به عمل آید. حمایت دولت از اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر باید از طریق تقویت نظام بازتوزیع، برنامه‌های حمایتی مستقیم و هدفمند برای گروه‌های کم‌درآمد و شبکه تامین اجتماعی گسترده و کارآمد صورت پذیرد. نباید فراموش کرد که نظام قیمت‌گذاری دولتی می‌تواند هم کارایی و هم عدالت را نابود کند و به نظر نمی‌رسد که فهم این موضوع برای ما در اقتصاد ایران که در طول ۱۰۰ سال گذشته همواره دولت سالار بوده ابهام‌چندانی داشته باشد.

سخن پایانی آنکه در اقتصاد امروز جهان که بنگاه‌ها و

کسب و کارها می‌کوشند برای شناخت تحولات قیمت‌ها در بازارها، استراتژی‌های قیمت‌گذاری کالاهای و خدمات خود را به موسسات پژوهشی و تخصصی و دانشگاه‌ها بسپارند نمی‌توان انتظار داشت که کارکنان نهادها و سازمان‌های دولتی قادر باشند که قیمت صحیح کالاهای و خدمات بخش خصوصی را با آن همه وسعت و تنوع که بیانگر هزینه فرصت نسبی عوامل و منابع سهیم در تولید آنها نیز باشد با یک ضابطه ساده و کهنه تشخیص دهند و آن را حاکم بر سرنوشت کسب و کارها (در واقع اقتصاد ملی) و روندهای آنها کنند. بویژه آنکه در شرایطی که عمر متوسط یک محصول در بازار به علت تحولات و تغییراتی که در ساخت و شکل کالاهای رخ می‌دهد به کوتاه‌ترین زمان ممکن رسیده است، پافشاری در تعیین قیمت و کنترل آن در خارج از اختیارات بنگاه تهدیدی برای نوآوری و بهبود کیفیت محصول و افزایش بهره‌وری است. به علاوه، وقتی دولت مبادرت به قیمت‌گذاری کالاهای و خدمات بخش خصوصی می‌کند، در واقع آزادی مبادله بین خریدار و فروشنده و حق مالکیت بنگاه‌ها را در تعیین قیمت محصولات نقض کرده است که چنین رویه قیمت‌گذاری عملاً باعث فقدان شرایط مطلوب برای رقابت کسب و کارها و پیشرفت بنگاه‌ها در چهارچوب فضای رقابتی امروز جهان می‌شود. اگر کشور ما آرزوی دستیابی به پیشرفت‌های معناری را در رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی در سر می‌پروراند، نه تنها وجود سیاست‌های معقول و مطلوب در سطح کلان لازم است اما کافی نیست. همان قدر مهم و چه بسا از آن مهم‌تر فراهم ساختن محیط مساعد کسب و کاری است که موجب رشد و توسعه بنگاه‌ها می‌شود. زیرا که در نهایت این بنگاه‌های یک کشور هستند که قادر به خلق و تداوم مزیت رقابتی در زمینه‌های خاص و در تعامل با جهان هستند به گونه‌ای که اقتصاد کشور به رشد و توسعه پایدار دست یابد و سطح رفاه جامعه را ارتقا بخشد. امید آنکه با تغییر در نحوه تفکر و ذهنیت سیاست‌گزاران و دولتمردان در مسیر بهبود شاخص‌های محیط کسب و کار موجبات رشد و توسعه بنگاه‌ها فراهم آید و اقتصاد کشور را که دارای مزیت‌ها، امکانات و ویژگی‌های نادر و استحقاق برای بالندگی بیشتر است به درجه و مرتبه‌ای که شایسته آن است رهنمون شود.

نقش فرهنگ در توسعه صنعتی



نگاه

دکتر معصومه رحیمی

کارشناس
سیاست‌گذاری
فرهنگی



مقدمه:

توسعه، معنایی جدید با اشکال متفاوت تاریخی

شاید عمر آکادمیک تعریف امروزی ما برای واژه "توسعه" به اندازه قدمت علم مدیریت یا اقتصاد باشد اما پیشتر از این تعاریف هم توسعه وجود داشت شاید نه به معنای وجود روندی معادل با انقلاب صنعتی یا اختراع کاغذ و الکتریسیته!

بهتر است بگوییم رشد و توسعه همراه همیشگی نوع بشر بوده است اما از دوره انقلاب صنعتی و اندکی پیش از آن با اختراع چاپ و کاغذ و غیره نمونه‌های عینی و مشابهی را در سراسر جهان به وجود آورد و این اختراعات ابزاری برای اندازه‌گیری میزان رشد و توسعه جوامع شد زیرا پس از انقلاب صنعتی معنای واژه توسعه بیشتر به سمت و سوی توسعه صنعتی رفت. اما نباید فراموش کرد که زمینه‌های زایش این انقلاب عظیم در دوره‌ها و اعصار گذشته با همان معانی ابتدایی رشد و توسعه به وجود آمده بود و بشر پس از عبور از نیازهای اولیه خود برای رفع نیازهای ثانویه اقدام به بکارگیری ابزار صنعتی و تغییر شکل تامین نیازهای خویش رسید.

نقش فرهنگ در توسعه صنعتی

فرهنگ به منزله‌ی روح واحدی که فرزند زیست اجتماعی نوع بشر است، کارویژه‌هایی دارد که در طی اعصار و قرون مختلف قوام بخش اجتماعات انسانی و روابط حاکم بر جوامع بوده است. فرهنگ همان اصول مشترکی است که از شیوه زیست اجتماعی تا بایدها و نبایدها را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده است.

هرچه میزان زایش و سازگاری فرهنگ بیشتر بوده است شاهد ظهور فرهنگ‌هایی با غنا و پاسخگویی بیشتر و پذیرش عمومی بالاتر آن بوده‌ایم. به عبارتی آنچه در طی نسل‌های مختلف از نسلی به نسل دیگر منتقل شده

رشد و توسعه و تلاش برای زیست بهتر از آغازین روزهای حیات بشر در کره‌ی خاکی آرزوی اجدادی وی بوده است. این میل به رشد و تجربه چیزهای جدیدتر از انسان نابالغ فردی بالغ و توانمند پدید آورده است. انگیزه و نیاز برای رشد در هر مرحله برای انسانها از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت بوده و هست. در جوامع ابتدایی رشد برای پدران تاریخی ما معنایی معادل به بندکشدن نیروهای پرخاشگر و ویرانگر محیط پیرامونشان به منظور زیست بهتر و آسانتر داشت. به مرور زمان یادگیری روش‌های ساخت اشیاء ضروری زندگی روزمره و اختراع آتش و ساخت خانه‌ها و رونق کشاورزی مرزهای رشد در جوامع ابتدایی را تغییر داد و به میزان بهره‌مندی از این ابزار و امکانات در کنار قدرت جمعی قبایل عرصه برای قدرت‌نمایی و برتری خواهی بشر آغاز گردید.

و رشد در این مرحله معنایی معادل قدرت و توان جنگ‌آوری و تسخیر زمین‌های مرغوبتر و تهیه غذای بیشتر برای اعضای قبیله و خاندان یافت. یعنی زمین بیشتر به معنای وجود ذخایر تغذیه‌ای بیشتر برای گروه، قلمرو وسیعتر به معنای امنیت بیشتر و مردان بیشتر برای هر قبیله به عنوان ابزار قدرتمندی محسوب می‌شد.

به مرور با تغییر ساختار و سبک زندگی بشر، شاهد تغییر نیازهای اساسی وی در ادوار مختلف تاریخی بودیم و در طی همین ادوار نیز رشد معنایی معادل نیازهای خاص هر منطقه بود به عبارتی هرچه میزان پاسخگویی به نیازها بیشتر شده بود رشد بیشتر اتفاق افتاده بود و نیازمندی به سایر قبایل کمتر شده بود و به معنای دقیقتر رشد به معنای بی‌نیازی از غیر، مشهود بود.



نگاه

دکتر معصومه رحیمی

کارشناس
سیاستگذاری
فرهنگی

است فرهنگی بوده که متناسب با نیازهای نسل قبلی بوده و نیازمند اصلاح و بهسازی برخی مفاهیم و ارزش‌ها یا گاهی حذف برخی ضدارزش‌ها در نسل بعدی بوده است و هرچه میزان تولید ارزش‌های مضاعف به عصاره فرهنگی نسل قبل بیشتر بوده و این ملحقات با نیازهای نسل جدید همسوتر بوده است فرهنگ حاکم ثمربخش، قوام بخش و راهبردی تر بوده و به عکس.

مثلا در مورد جامعه چین، در زمان‌های دورتر فقر نوعی ارزش تلقی می‌شده که برگرفته از زهد و پارسایی و گوشه نشینی برای عبادت و پرداختن به خودسازی بوده است و غالب افراد پارسا جزو فقرا بودند. با گذشت زمان و توسعه صنعتی و رشد جمعیت این ارزش تغییر شکل داد و مردم به این نتیجه رسیدند که ثروت و تولید ثروت از طریق کار و خدمات برای افراد جامعه یک ارزش است و در این راستا جامعه مصمم شد که با تمام توان خویش برای تولید ثروت مضاعف از طریق کار و تولید و فناوری تلاش کند و کار یک ارزش غالب شد و زهد و پارسایی در اولویت دوم قرار گرفت زیرا افراد گرسنه نمی‌توانند به پارسایی فکر کنند.

فرهنگ معنای درونی افراد را شکل می‌دهد و به آنها احساس هویت می‌دهد. زیرا افراد تعریفی که از خودشان دارند را براساس ارزش‌هایی که جامعه به ایشان تلقین نموده است شکل داده‌اند. فرهنگ حتی در گفتگوهای درونی افراد جامعه دخیل است. هرچه روح جمعی فرهنگ حاکم بر جامعه ارزشمدا تر و مثبت تر باشد گفتگوهای بین فردی و درونی افراد اجتماع در تعامل باهم مثبت‌تر خواهد بود و به عکس.

توسعه در کشورهای اروپایی مدیون تحولات عمیق فرهنگی می‌باشد، به نحوی که اینگلهارت معتقد است، گرگونی‌های مهم فرهنگی انقلاب صنعتی را در غرب آسان ساخت. اجرای هر مدل توسعه باید مبتنی بر سیاست‌های خاص برگرفته از نیازهای جامعه باشد.

نظریه فرهنگ کارآفرینی پارسنز

پارسنز، جامعه‌شناس شهیر آمریکایی که نظریه‌های خود را در چهار نظام زیستی، فرهنگی، اجتماعی و دینی بیان کرده است، توسعه فرهنگ خلاقیت و ابتکار را محصول نظام اجتماعی و تحت تاثیر نهاد خانواده و مدرسه میدانند که در پرتو آن، انگیزه کنشگران برای به عهده گرفتن نقش‌های تولیدی بالا می‌رود.

نظریه فرهنگ کارآفرینی ماکس وبر

وبر توسعه فرهنگ کارآفرینی را متأثر از چهار عامل تشویق به کار برای سعادت، خطرپذیری برای تغییر سرنوشت، برنامه‌ریزی برای آینده و صرفه جویی می‌داند.

نظریه فرهنگ کارآفرینی مک‌کله‌لند

لند، روانشناس اجتماعی معاصر، نظریه نیاز به موفقیت را برای اولین بار در مباحث اجتماعی مطرح کرد. وی معتقد بود جوامعی که دارای نیاز به موفقیت پایین هستند، نرخ سرمایه‌گذاری، خطرپذیری در آنها پایین است و به تبع آن توسعه نیافته، هستند و در جوامعی که نیاز به موفقیت بالا است، نرخ سرمایه‌گذاری و خطرپذیری نیز بالاست.

براساس تمام این نظریات مشخص است که توسعه در ارتباط مستقیم با مقوله فرهنگ قرار دارد زیرا منظور از صنعتی شدن؛ غالب شدن فرهنگی است که در آن بکارگیری خلاقیت در تمامی زمینه‌های کشاورزی، تولید و خدمات لازم است و خلاقیت در ارتباط مستقیم با ارضای نیازهای اولیه بشر است. زیرا نوآوری و آفرینش در ورای نیازهای اولیه رخ می‌نماید.

نتیجه‌گیری:

تنها راه برون رفت از رخوت و بی‌تفاوتی فرهنگی، تولید و سرمایه‌گذاری مولد افراد جامعه است. اگر فرهنگ حاکم بر جوامع زمینه‌باروری نیازهای اولیه افراد را فراهم آورد احساس ارزشمندی را در جامعه تزریق می‌کند و این احساس ارزشمندی باعث ترویج فرهنگ کار و توسعه فردی خواهد بود و بازتولید ارزش‌های فرهنگی مورد نیاز توسعه فراهم می‌شود. این ارزش‌ها شامل: تولید، کارآفرینی؛ ثروت و بهره‌گیری از علم روز در پرتو فرهنگ قابل مطالعه خواهد بود.

بنابراین فرهنگ عامل ارتقای جوامع از سطوح پایین و غیرصنعتی به سطوح بالا و توسعه یافته است. فرهنگ حلقه مفقوده‌ی سیاستگذاری در کشورهای توسعه نیافته است. زیرا با سرمایه‌گذاری بر روی فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی که متناسب با نیازهای جامعه باشد می‌توان شاهد تجمیع منافع جمعی در قالب فرهنگ جمعی افراد بود و هر فردی به عنوان یکی از عناصر فرهنگی می‌تواند به باروری فرهنگ و تولید ارزش و سرمایه موثر واقع شود.

روز جهانی زن

لوییس زیتس سوسیالیست آلمانی پیشنهاد تاسیس سالانه روز بین‌المللی زن را داد و «کلارا زتکین» سوسیالیست پیشرو که بعدها یک رهبر کمونیست شد از او حمایت کرد؛ البته در آن کنفرانس روز خاصی مشخص نشد. نمایندگان که مجموعه‌ای از ۱۰۰ زن از ۱۷ کشور بودند، با این ایده برای ترویج حقوق برابر، شامل حق رای برای زنان، موافقت کردند. سال بعد در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ روز بین‌المللی زن برای میلیونها نفر در اتریش، دانمارک، آلمان و سوییس برای اولین بار شناخته شد.

زنان در تظاهرات سالانه‌ی خود در کشورهای گوناگون خواستار حق رای و مناصب عمومی بودند. آنها همچنین نسبت به تبعیض جنسیتی در استخدام اعتراض داشتند.

این فرایند و تلاشها دهه‌ها در کشورهای مختلف تداوم یافت تا اینکه در سال ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دول عضو دعوت کرد تا روز ۸ مارس (۱۷ اسفند) را به عنوان روز سازمان ملل متحد برای حقوق زنان و صلح جهانی بنامند. از آن به بعد روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن در کشورهای گوناگون شناخته شده و در این روز زنان در جوامع مختلف با راهپیمایی‌ها و تظاهرات بر بزرگداشت و دفاع از حقوق زنان و نیز برگزاری جشنهایی برای دستاوردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان اهتمام می‌ورزند.

ناگفته نباید گذارد که زنان ایرانی از زمان انقلاب مشروطیت تا به امروز تلاشهای بسیاری برای رفع تبعیض جنسیتی و احیای حقوقشان بعمل آورده‌اند که نتایج آن را در برخی عرصه‌ها چون ورزش، داشتن حق رای، امکان دستیابی به برخی پستها و مشاغل را می‌توان ملاحظه کرد، هر چند هنوز راه زیادی تا آنچه زنان به دنبال آنند وجود دارد.

زنان در همه‌ی جوامع و در طول تاریخ حیات بشری همواره نیمی از افراد جامعه را تشکیل داده‌اند. تحقیقات زیست‌شناختی، جامعه‌شناختی، تاریخ و غیره نشانگر آن است که حیات بدون وجود زنان و سیر تحول جوامع بدون حضور پررنگ ایشان بی‌معنی می‌باشد.

به دلایل گوناگون که از جمله‌ی آنها جهل، جاه‌طلبی، قدرت‌خواهی، استبداد و همانند آنها بوده جوامع از گذشته‌های دور به تدریج به سمت مردسالاری حرکت کرده است. ناگفته پیداست که یکی از دلایل این امر دوران بارداری و سپس زایمان و نگهداری از کودک بوده است که باعث می‌شده به تدریج و البته با سوءاستفاده‌ی مردان، زنان از اریکه‌ی قدرت و حضور فعال در جامعه فاصله بگیرند.

طی هزاران سال، سلطه‌ی مردان بر قدرت و بر جامعه و دور شدن زنان از صحنه اجتماعی باعث شد که ناتوانی زنان برای حضور در صحنه‌های مختلف نزد افکار عمومی جوامع اعم از مردان و زنان نهادینه شده و به یک مقوله‌ی فرهنگی تبدیل گردد. هر چند در طول تاریخ و در جوامع گوناگون بر این قاعده‌ی فرهنگی و اجتماعی استثناهایی وارد بوده است.

در سده‌ی بیستم و تحولات روی داده در سده‌های هجدهم و نوزدهم در جوامع مختلف به ویژه جامعه‌های اروپایی و تا حدی آمریکا که وارد عصر صنعتی و مدرنیته شده بودند، زنان با نگاهی نو به دنبال تغییر نگاه فرهنگی در جامعه نسبت به خود شده و خواستار حقوق برابر با مردان گردیدند. در این راه البته تعدادی از مردان نیز از این خواسته‌ی زنان حمایت کردند.

در راستای چنین خواسته‌ای نخستین مراسم روز زن در ۲۸ فوریه سال ۱۹۱۹ در نیویورک برگزار شد. این مراسم توسط حزب سوسیالیست آمریکا برای یادبود اعتصاب "اتحادیه جهانی زنان کارگر صنایع پوشاک" در سال ۱۹۰۸ سازمان یافت.

در ماه اوت ۱۹۱۰، کنفرانس جهانی زنان قبل از جلسه عمومی سوسیالیستهای بین‌المللی بین‌الملل دوم در کپنهاگ برگزار شد. با الهام از سوسیالیستهای آمریکایی،

کنفدراسیون صنعت فلز کاری چین CCMI



برای صنعت فلزی و آهن، مرکز خدمات کارشناسی و آموزشی، واحد اداری، واحد رسانه، واحد مالی و چندین واحد و اداره دیگر نامبرد.

علاوه بر اهداف مورد نظر کنفدراسیون صنعت فلز کاری چین در خدمت‌رسانی به شرکتها و موسسات بخش خصوصی فعال در این حوزه اعم از بنگاه‌های تولیدی یا موسسات پژوهشی دانشگاهها و غیره، کنفدراسیون خدماتی را برای خود جهت ارایه به دولت در نظر گرفته است که از جمله ارایه پیشنهادها در حوزه‌های اقتصادی و سیاستهای فناورانه که ممکن است برای صنایع آهن و فولاد تشویق کننده باشد و یا مطالعه در حوزه‌ی صنعت مزبور و همانند آنها در نظر گرفته و آنها را اجرایی می‌کند.

همچنین کنفدراسیون با داشتن دفتر امور رسانه‌ای در اطلاع‌رسانی و برقراری ارتباط با واحدهای ذیربط و نیز مراجع دولتی بسیار فعال است.

یادآور می‌شود که صنایع فلزی چین یکی از بزرگترین گروه‌های صنعتی این کشور که دومین اقتصاد جهان را داراست، شکل داده است.

کنفدراسیون صنعت فلزکاری چین به عنوان تنها سازمان صنعتی حوزه‌ی فلزی در ژوئییه ۱۹۸۶ تاسیس شد. اعضای آن را بنگاه‌های فعال در حوزه‌ی آهن و ورق و نیز موسسات فعال در زمینه تحقیق و توسعه، دانشگاهها، کارخانه‌های سازنده تجهیزات، تامین کنندگان مواد و سایر بنگاهها و سازمانهای مرتبط با حوزه‌ی ساخت فلزات تشکیل می‌دهد.

کنفدراسیون صنعت فلزی چین سازمانی است در برگیرنده صنعت‌های ساخت ورق و آهن که شامل انجمن‌ها و گروه‌های زیر می‌شود:

انجمن صنعت فلزکاری چین (CFIA)

گروه ساخت ورقهای فلزی (CSFG)

گروه شکلدهی سرد چین (CCFG)

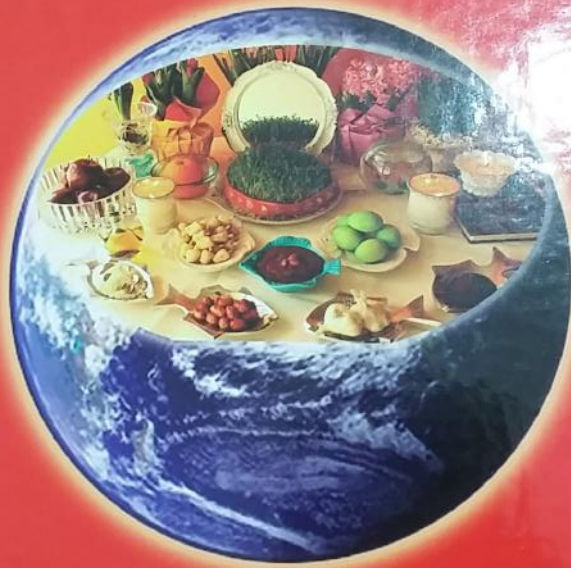
سرگروه ظرف چین (AMFG)

گروه ساخت فلز چین (CMFG)

این کنفدراسیون به منظور تشویق توسعه و تحقیق در صنعت ساخت فلز، یک صندوق مالی برای پشتیبانی از توسعه، تحقیق و کاربرد فناوریها شکل داده است.

دبیرخانه کنفدراسیون صنعت فلزی چین از واحدها و اداره‌های مختلفی تشکیل شده که از جمله‌ی آنها می‌توان از: واحد نمایشگاه، واحد کنفرانس، آزمایشگاه

نوروز در چهار سوی گیتی



داریوش مهاجر



کتابنامه



شیرین تجلی

اشکانی و ساسانی نیز تداوم یافت.

پس از ورود اسلام به ایران بزرگ، به رغم مخالفت برخی از سرداران عرب و یا حتی خلفا، نوروز با تمهیدات گوناگون توسط مردم برگزار می‌شد. به رغم فشارهای خلفا و فرمانروایان عرب محلی مردم آشکار و پنهان و با پرداخت هزینه‌های گاه بسیار گزاف نوروز را حفظ کردند.

اما امروز فقط در ایران نیست که نوروز گرمی داشته می‌شود بلکه در کشورهایی چون پاکستان، افغانستان، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، ترکیه، مصر، الجزایر و ... نوروز جشن گرفته شده و آن را گرمی می‌دارند.

از همین رو نوروز در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به عنوان «روز جهانی نوروز» برسمیت شناخته شد. در واقع در روز ۱۳۸۸/۱۲/۴ برابر با ۲۳ فوریه ۲۰۱۰ روز جهانی نوروز را در چارچوب ماده ۴۹ دستور کار خود قرار داده و تحت عنوان «فرهنگ صلح» بتصویب رساند. یادآور می‌شود که نویسندگان سپس به اختصار به برگزاری نوروز در جوامعی که نوروز در آنها گرمی داشته می‌شود (بجز ایران) اشاره دارد.

کتاب نوروز در چهار سوی گیتی نوشته‌ی دکتر داریوش مهاجر است که توسط انتشارات بادبان بچاپ رسیده است.

مهاجر به عنوان پژوهشگری که نگاهی عمیق به مطالعات میان رشته‌ای دارد در مقدمه کتاب می‌نویسد: یکی از ویژگیهای فرهنگ و تمدن ایرانی در طی تاریخ آن بوده است که برای گسترش آن در گیتی، از شمشیر و زور استفاده نشده و از همین روست که امروز می‌بینیم در تعدادی از کشورهای جهان آثاری از فرهنگ ایرانی در ادب و هنر، زبان و آداب و رسومشان دیده می‌شود که آن کشورها هیچگاه جزو سرزمینهای تحت اداره و امپراتوریهای ایران نبوده‌اند.

از جمله‌ی رسمهای بسیار مهم و البته با سابقه‌ی طولانی، جشن نوروز است. نوروز اصولاً رسمی است کهن و آیینی بس دیرپا به طوری که نقطه‌ی آغازش را تاکنون نتوانسته‌اند در تاریخ ردیابی کنند، از همین روی به روایت نویسنده برای یافتن زمان آغازش باید دست به اساطیر یازید و از آنها کمک گرفت.

دکتر مهاجر پس از توضیحاتی در سخن اساطیر درباره‌ی نوروز به تاریخ نظری می‌افکند و می‌نویسد: در تاریخ و به طور مشخص از زمان هخامنشیان برگزاری جشنهای نوروزی در سرزمین ایران بزرگ و اصولاً در امپراتوری ایران، رایج بوده است. شاهنشاهان هخامنشی در نوروز بر تخت تکیه می‌زده و مردمان و نمایندگان شاهان محلی از استانهای دور و نزدیک شاهنشاهی برای ایشان هدیه می‌آوردند. و برگزاری مراسم نوروزی در دوره‌های



کتابنامه



شیرین تجلی



انعقاد برجام، دستاوردهای برجام و اهداف خروج آمریکا از این توافق از جمله پرسش‌های بررسی شده در این فصل است.

پنجمین فصل آثار اقتصادی و اجتماعی از سرگیری تحریم‌های ایالات متحده را تشریح می‌کند. تاثیر تحریم‌های اخیر آمریکا بر اقتصاد ایران محور بخش پنجم است. این بخش تلاش دارد راهبرد آمریکا در زمینه طراحی و اجرای تحریم‌ها را شناسایی کند. مقایسه تحریم‌های قبل از برجام با شرایط کنونی و در نهایت تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد کلان کشور شامل تورم، ارزش پول ملی، کسری بودجه دولت، بازار پول و سرمایه، تجارت خارجی، بازار کار و رشد درازمدت اقتصادی در این بخش تحلیل شده است.

در نهایت نویسنده، کتاب خود را با معرفی راه‌های پیش رو برای مقابله با تحریم‌های جدید به پایان می‌رساند. در قسمت ششم گزارش تحقیق، راهبردهای مقابله با تحریم‌ها و خنثی کردن تاثیرات منفی اقتصادی-اجتماعی آن در سه سطح ارائه شده است: در حوزه سیاست خارجی، در حوزه سیاست داخلی و در حوزه اقتصادی.

نویسنده مایل است این مطالب هر چه سریع‌تر در معرض قضاوت محققان و کارشناسان بصیر دانشگاهی که در حوزه‌های علم اقتصاد، علم سیاست و علم جامعه‌شناسی عمری را صرف کرده‌اند، قرار گیرد زیرا کتاب صرفاً یک تحلیل تاریخی علمی نیست؛ بلکه یک سند سیاست‌گذاری است.

کتاب «تحلیل تحریم‌های بین‌المللی ایران در چارچوب اقتصاد سیاسی» تألیف دکتر بهروز هادی زنوز توسط انتشارات اقتصاد فردا در ۳۹۶ در سال ۹۸ منتشر شد.

دکتر بهروز هادی زنوز، تحریم‌های علیه ایران از سال ۵۷ تا ۹۷ را در چارچوب اقتصاد سیاسی تحلیل کرده است که در این کتاب ملاحظه می‌شود.

این تحلیل در شش بخش تنظیم شده است؛ در بخش نخست با طراحی چارچوب مفهومی این پرسش اصلی بررسی شده است که مفقوده اصلی سیاست‌گذاری در مناسبات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

در فصل دوم به توضیح درباره مناسبات ایران با برخی از قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای پرداخته است و به مطالعه ریشه‌یابی علل روابط خصمانه آمریکا و اروپا و متحدان منطقه‌ای آنها با انقلاب اسلامی ایران و بررسی تحول کم و کیف انواع تحریم‌ها علیه ایران توجه شده است.

پیامدهای اقتصادی سیاست خارجی ایران محور بخش سوم کتاب است. در این بخش بازماندن ایران از رشد درازمدت، عدم امکان اتخاذ رویکرد صادراتی، محرومیت از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، خسارت‌های جنگ هشت‌ساله ایران و عراق و بالاخره زیان‌های تحریم‌های هسته‌ای قبل از برجام مورد ارزیابی قرار گرفته است.

چهارمین فصل این کتاب یک به یک تحریم‌های هسته‌ای ایران را مرور می‌کند و تمرکز این بخش به تحریم‌های هسته‌ای اختصاص دارد که از دهه ۸۰ آغاز شده است. در این بخش هفت پرسش مطرح شده است. وضعیت ارتباط ایران با کشورهای موسوم به ۵+۱ قبل از